بانها نشود تا مطلب معلوم گردد.

وزیرمالیه — بنده نمی‌دانم چه تضییقی است که از طرف کمپانی می‌شود و رعایا عریضه‌هم سابقاً بوزارت مالیه داده‌اند البته رسیدگی می‌شود و با کمپانی مذاکره خواهدشد ازبابت آنها باز مذاکره میکنیم ومشغول هستیم.

رئیس - در باب اینکه این قراردادرا در دستور پنجشنبه آتیه بگذاریم مخالفی هست ؟

آقاشیخ غلامحسین- بنده مخالفم بعلت اینکه یکسال بیشتر است که این بیچاره رعایای خالصه گرفتار کمپانی هستندمگر اینهاازحقوق ایرانیت وانسانیت محروم هستند هر وقت این مسئله جزء دستور شد یك وزیری آمد گفت حالا باشد نظریات بکنم پس کی خواهد شداین کار آقای وزیر مالیه ممکن است که ازحالا تاروز پنجشنبه نظریات خودشان رابکنند روزپنجشنبه در این خصوص مذاکره شود.

وزیرمالیه — بنده تعجب می کنم که آقایان بعضی ملاحظات را میفرمایند ولی بعضی ملاحظات دیگر هم هست که آنهاراهم بایدبفرمایند ملاحظه میفرمایند درمدت یکسال است که یك کنترانی دولت ایران بسته است وامضاء کرده‌است ودرظرف این یك سال که این کنترات بسته نشده بنده هم درآن وقت درمجلس بودم میپرسیدم که تفصیل این چه چیز است ودر این مدت یکسال این هی آید بمجلس حالا میخواهند بعجله یك قرار بدهیم وامضاء یك دولتی را برداریم بگوئیم اینطور نباشد آن طورباشد البته امضائی که دولت داده است خیلی اهمیت داردنمیشود گفت بعجله اینرا زودتغییر بدهیم باید ملاحظه بکنید که شرایط این کار چه چیزاست معایبش چه چیز است وبااو هم‌داخل مذاکره بشویم که چه قراری باید داد که باز هم اسباب شکایت رعایا نشود وهم‌اسباب شکایت کمپانی و بی ترتیبی کار نشود والا حالا بعجله گفتیم که این‌طور بشود شاید باز دریك‌مدتی محتاج بشویم که بگوئیم که این خوب نشد خوبست یك سال که صبر کرده‌ایم یك‌سال و چهارروزباشد که دوباره محتاج بمذاکرات نباشیم.

رئیس — برای کدام جلسه رأی بگیریم که جزء دستور شود.

وزیر مالیه — برای یك‌هفته دیگربرای این که اگر قبل ازمذاکره کردن با کمپانی بمجلس بیاید برای مذاکره مبنای مذاکرات مجلس هرچه خواهد بود یك لایحه ازطرف دولت پیشنهادشده است یك‌طرحی‌هم‌ازطرف نمایندگان پیشنهادشده‌است دیگر مأخذی ندارد.

رئیس — رای میگیریم که جزء دستور پنج شنبه دیگر بگذاریم آقایانیکه موافقند قیام نمایند (باکثریت (۳۸) رای تصویب شد)

رئیس — پس دستوریکه از سابق معین کرده بودیم بهم می‌خورد مجدداً معین میکنیم.

دستور پنجشنبه قانون عتیقات - بقیه قانون ثبت اسناد - دستور شنبه قانون استخدام - قانون ثبت اسناد راجع بآن موادی‌که در شور ثانوی ارجاع شدبکمیسیون - دستور سه شنبه قانون‌قبول ونکول بروات - بقیه شور اول در قانون استخدام کمیسیون عرایض راهم خاطرنشان آقایان واعضاء آن کمیسیون می کنم که عرایض خیلی رسیده است و تا امروز هم کمیسیون منعقد نشده خواهش دارم که زودتر منعقد شود وبعرایض مردم رسیدگی کنند وآقایان حاجی آقا در موقع تنفس اجازه خواسته اند چون سوء تفاهم شده است درنطقشان خواسته بودند توضیح بدهند بفرمائید

حاجی آقا — در ماده دوم تعرفه قانون ثبت اسناد یك جملهٔ عرض کردم که معاملات ایران غالبا ازهزاروپانصد و دوهزار تومان زیاد ترنیست تصور کردند که معاملات تجارتی را عرض کردم و بنده این مطلب را در معاملاتی که راجع باملاك و مستغلات بود عرض کردم و گمان می کنم که صحیح باشد بجهت این که سی هزار چهل هزار تومان راجع بمعامله ملکی در ایران خیلی کم واقع می شود و این هم هیچ ربطی بمعامله تجارتی ندارد.

(مجلس سه ربع ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۲۳۴

صورت جلسه یوم پنجشنبه ۱۳ شهر ربیع الاخری ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت ونیم قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن‌الملك افتتاح و دوساعت وپنجاه دقیقه قبل از غروب رسماً منعقد شد.

آقای معاضد الملك صورت مجلس یوم سه شنبه ۱۱ را قرائت نمودند.

(اسامی غائبین جلسه قبل) آقای دهخدابدون اجازه آقایان حاجی محمد کریمخان — حاج امام جمعه - آقا شیخ مهدی نجم‌آبادی - با اجازه‌غایب بودند و آقایان دکتر اسمعیل خان - حاج مصدق الممالك - طباطبائی — سید محمد باقر ادیب لواءالدوله بوقت مقرره حاضر نشده بودند.

رئیس — اظهاری‌که آقای ناصر الاسلام در جلسه قبل درصورت مجلس کرده بودند اشتباهاً نوشته نشده است نوشته میشود.

لواءالدوله — بنده‌با کمال تأسف ازشغل مباشرت استعفا دادم.

رئیس — حالا موقع این اظهار نبود

لواءالدوله — چون در صورت مجلس اسم از انتخاب بنده برده شده‌بود باین جهت‌عرض کردم.

رئیس — بنده عرض کردم اگر اعتراضی بصورت مجلس دارید بفرمائید.

ناصرالاسلام- بنده بهیچوجه‌مخالف پیشنهاد کمیسیون وطرح آقای ارباب نبودم کمال‌موافقت داشتم‌منتهی‌ازمخبر راجع‌بیك کلمه توضیح‌خواستم والا مخالف نبودم.

افتخارالواعظین- یك‌مسئله لازم‌بوداینجا قیدشود ونشده است درخصوص مسئله اول از تعرفه ثبت اسناد که قانون یکشاهی نوشته شده بود و آقای وزیر عدلیه هم‌خودشان تصدیق فرمودند که این‌مقدار زیاداست واینجا قیدنشده‌است ویك مسئله دیگر این‌است که‌این صورت مجلسی‌که امروز در اینجا خوانده شدخیلی مفصل‌بود گمان میکنم این صورت مفصل یك مقداری ازوقت مجلس را تضییع بکند خوبست مقرر فرمایند منبعد قدری مختصر تر نوشته شود.

رئیس — صورت‌مجلس نوشتن تکلیف‌هیئت رئیسه است‌و میدانند چطور صورت مجلس بنویسند استدعا میکنم منبعد اعتراض بترتیب نوشتن‌صورت مجلس نفرمائید آقای ارباب کیخسرو اعتراض داشتید ؟

ارباب کیخسرو — میخواستم عرض کنم‌در صورت مجلس اظهار موافقت وزیر عدلیه نسبت بتعرفه شده است و حال آنکه در همین فقره اول بطوریکه اشاره فرمودند آقای وزیر عدلیه بکلی مخالف‌بودند باتومانی‌یك‌شاهی و قیدنشده‌است.

رئیس — دستور امروز تعرفه ثبت اسناد و قانون عتیقات بودولی دیروز ازطرف هیئت وزراء قانون‌عتیقات راخواستند که‌نظریاتی دارند تجدید نظری بنمایند آنوقت عودت بدهند این‌بود که‌بنده هم‌بیست وچهار ساعت قبل اطلاع دادم بآقایان و حالا بجای قانون عتیقات قانون استخدام خواهد بود تعرفه‌قانون ثبت‌اسناد رادرفقره هفدهم بخوانید [باین عبارت قرائت‌شد]

هفدهم — ترتیب صورت مجلس که‌بجای‌قبض امانت داده‌میشود پنجقران.

ارباب کیخسرو- ازاین‌عبارت درست‌چیزی مفهوم‌نمیشود خوبست درست آقای‌مخبر توضیح بدهند

مخبر کمیسیون آقاشیخ ابراهیم زنجانی موادی که‌رأی گرفته‌اینجاوقتی که کسی امانت میسپارد یاقبض‌میگیرد یاتقاضا میکندصورت مجلس‌مینویسند وآن صورت مجلس بجای قبض امانت است‌وصورت مجلس مینویسند یعنی صورت اسناد را مینویسند و اشخاصی که‌حاضر هستند مهرمی کنند وباو میدهند این کار مفصلی است از برای این پنج قران هم کم است.

هشترودی - بنده‌پنجقران‌رابرای یك‌صورت مجلس نوشتن زیاد میدانم هرچه باشد دوقران کافی است وبنده پیشنهاد می‌کنم که‌دوقران باشد.

رئیس- این پیشنهاد رابنویسید بدهید بآن رأی میگیریم.

ارباب کیخسرو- بنده مخالف زیادی پنج قران نبودم ولی‌این عبارت این‌را نمیرساند واز این عبارت آنطوریکه بیان کردند هیچ مفهوم نمیشود عبارت رابا د توضیح‌نمایند صورت مجلس که‌بجای قبض امانت است گمان ندارم از این عبارت بیرون بیاید.

آقاشیخ ابراهیم — این حکایت است از آن ماده که‌رأی‌باو دادند که‌هر کامصاحب‌امانت بخواهد صورت مجلس قرار داده اسنادیکه امانت میگذارد صورت آنهارا برداشته وثبت کنند ومهر کنند و باوبدهند واشخاصی - حاضرند نیز آنصورت‌مجلس رامهر وامضاء کنند وباو بدهند اینکه تقاضامیکند

آنصورت مجلس راپنجقران باید برای این صورت مجلس بدهد این بقیه همان دومداده است اگرما باین زودی فراموش کنیم دیگران چه خواهند کرد واین پنج قران هم خیلی کم است اگرمثلا ده‌سند آورد تمام آنها را باید صورت بردارند و صورت‌مجلس نوشته شود این کار بزرگیست پنجقران هیچ زیادنیست بلکه کم‌هم هست .

حاج شیخ اسدالله — این بیانیکه آقای مخبر می فرمایند این یعنی همان‌قبض است که‌مباشر ثبت‌باید بصاحب امانت بدهد‌در قبض که می نویسند باید بنویسد همچو امانتی این صاحب قبض دارد و اینکه این راتعبیر بصورت مجلس می کنند نمی‌دانم برای چیست اگر این‌صورت مجلس است پس آن قبضی‌که بصاحب امانت می‌دهند بفرمایند آن‌چیست باید وقتی که صاحب امانت امانتش رامی دهد بثبت اسناد صورت می‌نویسند عده اسنادش را صورت بر می‌دارند وآن قبض‌را بمهر اداره‌مهر می کنند و خود مباشر هم‌مهر میکنند دیگر اینکه نوشته شده است صورت‌مجلس نمی‌دانم مقصود چیست

وزیر عدلیه — بنده در جواب جلب می کنم خاطر آقایان رابماده ۱۱۲و۱۱۳ اگرتوجه بفرمایند رفع‌اشکال آقایان می‌شود ماده(۱۱۲) می نویسد‌که مباشر ثبت قبض وسندی نوشته خودشان‌و اشخاصی‌که شاهد قضیه‌بوده‌اند‌امضاء می‌نمایند‌ورسید را دردفتر فهرست ثبت‌می کنند بعداز آن ماده(۱۱۳) است‌که می گوید هر گاه ارباب رجوع بقبض رسید اکتفانکرده بخواهند‌که‌درحضور شهود‌صورت‌مجلس نوشته شده تمام‌سند متناً وهامشاً در آنصورت قید شود واگر اسناد دراف یا‌کت سربمهر است‌شکل ظاهری یا‌کت ومهر تصریح شود‌مباشر ثبت مکلف است که آن تقاضای ارباب رجوع را ایفاء نموده صورت مذکور را ترتیب داده بعداز امضاءخودش وصاحب امانت وشهودصورت مذکور را مشارالیه در دفتر ثبت اسناد با تر تیبات مقرره ثبت نموده بصاحب امانت بدهد والبته تصدیق خواهند‌کرد‌که یك چنین صورتی که تمام اسناد ثبت شود متناً و هامشاً‌بعد باقضای شهود و مباشرین برسد و تمام این قیدشود کمتر از ده قران گویا نتوان تصویب کرد

رئیس — مذاکرات کافی است‌دوفقره‌پیشنهاد شده است یکی از آقای کاشف است که پیشنهاد کرده اند قبض رسید در مقابل اسنادیکه امانت سپرده می‌شود به قران - کاشف

رئیس — باین پیشنهاد رأی می گیریم آقایانیکه بااین پیشنهاد موافقند قیام‌نمایند[ردشد] این پیشنهاد را آقای هشترودی کرده‌اند (بعبارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۱۷ تعرفه مبلغ دو قران عوض پنج قران نوشته شود .

رئیس — رای می گیریم کسانیکه‌موافقند با این‌پیشنهاد قیام نمایند (رد شد) فقره شانزدهم فراموش‌شده بودحالا خوانده می‌شود (باین عبارت خوانده شد)

شانزدهم — قبض‌امانت یکقران

رئیس — مخالفی نیست (اظهاری‌نشد)

تنبیه‌را بخوانید(بعبارت ذیل قرائت‌شد)

تنبیه اول — از کسور تومان در فقره اول و دویم تعرفه‌حقی دریافت نمی‌شود

رئیس — مخالفی هست (گفتند خیر) دویم را بخوانید دویم کسورصفحه درفقره هفتم و هشتم صفحه تمام‌محسوب می‌شود

رئیس — مخالفی هست (گفتند خیر)سیم را بخوانید (باین‌عبارت خوانده‌شد.)

سیم — مخارج حرکت‌درفقره ۱۳ بعهده‌رجوع‌کننده است .

رئیس — مخالفی‌نیست .

دکتر حاج رضاخان — بنده‌درفقره سیزدهم که‌تبلیغ اظهار کتبی بکسی بنجقران‌باشد مخالف بودم چند‌دلیل اظهار شد منجمله مخارج‌حرکت بودحالا باز اینجا میبینم که بطور مطلق نوشته‌میشود که مخارج حرکت بعهده رجوع کننده است در صورتیکه معلوم نیست که‌این‌باچه چیزحرکت میکند بادرشکه حرکت میکند باترن حرکت میکند بامال‌حرکت میکند هر کدام یك‌مخارجی دارد هیچ نمیشود بطوریکه‌مبهم‌مخارج حرکت را بعهده رجوع کننده قرارداد‌یا‌آن‌پنجقران که‌درآنجانوشته شده یا‌اینکه مخارج حرکت‌مباشر باید معلوم شود .

آقاشیخ ابراهیم زنجانی — آن پنجقران برای‌این‌است که‌یکی‌خواهش‌میکند که‌این اظهار مرا بفلان شخص برسانید وبرای‌من جواب‌بگیرید و این شخص‌معظم محترم‌برا از اداره خودش میفرستند‌پیش کسی دیگر برای‌یك‌کاری‌در چنین موقعی پنجهزار خیلی هم کم‌است‌واین‌پنجهزار فقط‌ازبرای‌قبول کردن او است اینکار را اما مخارج حرکت آن یك چیز علیحده است ممکن است از اداره ثبت‌تاآنجا که این شخص باید این اظهار رابرد وبآن‌شخص‌اظهار کند پنج‌فرسخ باشد آنوقت‌مخارج‌متفاوت‌میشود‌این‌میکوید اقا مخارج حرکت من اینقدر است میخواهید‌میدهید میروم نمیخواهید نمیروم آنهم میخواهد میدهد نمیخواهد نمیدهد .

کاشف — بنده‌ابدآنمیتوانم بفهمم که‌یك‌مطلبی راکه درکمال ابهام است اورا قانونیت‌بدهیم وبکوئیم که‌مخارج حرکت بعهده رجوع‌کننده است توضیحی هم که‌آقای مخبر‌دادند رفع‌اشکال نکرد بجهت اینکه اگر مقصود آقای مخبر مخارج مسافرت خارج‌ازشهر است خوبست بفرمایند اگرمقصود داخل‌شهر است که همان پنجقرازی کدر ماده ۱۳ تصویب شد با همین ملاحظه گمان میکنم تصویب شدو مخارج حرکت شهری در مقابل همان پنجقران تصویب‌شده‌مانمیتوانیم هم آن‌پنجقران راتصویب کنیم هم یك مخارجی را بطور ابهام تا اعتراز قسم سوء استعمال در آتیه شاید بشود .

آقاشیخ ابراهیم — این پنجقران نه برای مخارج است بجهة اینکه‌ممکن است هیچ خرج‌نداشته باشد‌مثلا‌یك کسی‌بیاید پیش‌مباشر‌ثبت‌میگوید‌میخواهم شمافلان اظهار مرا باین‌همسایه خودتان‌بکنید‌وجواب بگیرید این‌هیچ خرج ندارد لکن باید آن پنجقران برای همین‌اظهار بدهد بامخارج حرکت‌خیلی‌مختلف میشود تحمیل ابدآنیست بجهت اینکه‌اجباری که‌در بین نیست کسی‌بمباشر ثبت میگوید فلانمطلب مرا بفلان شخص که‌درفلان محله است برسان مباشرثبت میگوید پیاده نمیروم مخارج درشکه مرا بده تا بروم میدهی میروم نمیدهی‌نمیروم این‌تحمیل نیست‌یکمرتبه‌میگوید این اظهار مرا بفلان شخص که‌در پنج فرسخی است برسانید میگوید مخارج این پنج‌فرسخ مسافرت من فلان مبلغ است میدهی‌میروم این تحمیلی نیست این یکماالیاتی نیست یك چیزی است باختیار خود بنده باختیار تقاضا کننده‌اگر قبول میکند وازبرایش‌فائده دارد مخارج‌اورا معین‌میکنند میرود اگرفائد ندارد نمیدهد اینهم نمیرود .

دکتر رضاخان — استدعامیکنم‌آقای وزیر توضیح بدهند بجهت اینکه توضیحات آقای مخبر قانع‌نکرد بجهت‌اینکه این شخص‌مباشر ثبت‌بالاتر از وکیل که‌نیست مخارج مسافرت و کلارا که‌معین کرده‌اند فرسخی‌پنجقران‌معین کرده‌اند‌حالا‌اینراهم‌باید‌حداکثر را ببینند چقدرمخارج میشود حداقلش چقدر آنوقت یك‌حد وسطش‌رامعین کنند‌مثلا‌بگویند‌فرسخی‌پنجهزار اگر خارج شهر است اگر داخل شهر است کورس درشکه رامعین کنند اقلا اینکه نمیشود بکلی‌باختیار مباشر گذاشت برای اینکه سلب‌اختیاراز مردم نشود ورفع‌حوائج مردم‌بشود باید معین کرد‌جهت‌اینکه‌لابد آنکه یك‌چنین اظهاری بمباشرثبت میکند‌لابد‌ازبرای یك‌کار مهمی است که یك چنین اظهاری میکند والا ازبرای یك‌کار غیر مهم یك چنین اظهاری نمیکرد حالا نباید در اینصورت بکلی این را مبهم‌و باختیار مباشر ثبت گذارد .

وزیر عدلیه — درباب‌تبلیغ‌اظهار کسی‌بکسی که‌اظهار میشود آنروز مذاکره‌شدومخارج‌حرکت‌راهم درضمن حق‌الزحمه او کدرماده سیزده‌معین شده‌است منظور شده‌است وماهم گفته‌باشیم که مخارج حرکت جزء ماده سیزدهم است من‌خاطرندارم که‌خرجرا گفته باشیم درماده سیزده است که‌درضمن آن پنجقران باشدو حق‌الزحمه اوحساب شده‌باشد ملاحظه بفرمائید آن کسی‌را که‌وزارت عدلیه اسمش‌را مباشرثبت‌میگذارد این خودش یك مقامی دارد و یك مقتضیاتی دارد این‌شغل‌راوقتی دارا میشود که مقتضیاتش را بعمل بیاورد‌امتحان‌بدهد‌حالا بیك‌چنین شخصی که میگویند ازاداره خودت‌بر خیزو بروآنجا این اظهار را بکن معلوم است‌این شخص را از کارش‌باز میدارد تصور نمیشود که حق الزحمه این کمتر از پنجهزار باشد خودشما اگر یك نفری را بخواهید بفرستید‌بمأموریتی‌بکمتر‌ازاین‌نمیشود‌تاچه‌برسد باینکه

مأمور دولت باشد ومستخدم دولت باشد واگر شخص نخواهد که دیگری را برای یکچنین ابلاغی بجائی بفرستد خیلی بیشتر از برایش تمام میشود منتهی‌ما اینجا یك‌اداره‌درست میکنیم که‌رفع حاجت مردم‌بشود والا پنجقران چیزی نیست که حقیقتاً درعوض اینکار باشد اما درباب مخارج حرکت اینجا همینقدرخواسته است بفهماند‌که این درعهده رجوع کننده‌است‌واین‌را هم‌در جزو قانون ننوشته است در ضمن تنبیه نوشته است وتوضیح کرده است‌که این مخارج حرکت جزء آن پنجقران‌نیست باید مخارج حرکت علیحده داده شود مثلا اگر ازطهران باید برود بشمیران ابلاغی بکند مخارج حرکتش جزء آن‌پنجقران نباشد‌واینکه بعضی‌میفرمایند اگر واضح‌نباشد سوء استعمال‌میشود بله خیلی چیزها هست دراین قانون که توضیح نشده است لکن اینها یك نظامنامه علیحده میخواهد اینها جزو نظامنامه ادارهٔ است چنانچه دیدید در مسئله وجه‌الضمانه‌رجوع کردیم موافقت‌وزارت مالیه‌ووزارت عدلیه اینهم یکی ازمطالبی است که باید درنظامنامه وزارت عدلیه معین کرد که سوء استعمال نشود و این راهم عرض‌بکنم وزارت عدلیه‌هم نمیتواند این قبیل چیزهارا بطور قطعی معین بکند باید واگذار بنظر محکمه ابتدائی بکند‌که از برای هر فرسخی چقدر مخارج حرکت لازم است وباید بدهد واینهم معلوم است جایش اینجا نبوده فقط اینجا خواسته است که واضح بکند‌که‌مخارج‌مسافرت جزء حق‌الزحمه تبلیغ نیست .

رئیس - مذاکرات را آقایان کافی نمیدانند (گفتند مذاکرات‌کافی است .)

حاج شیخ علی — بنده پیشنهاد کرده‌ام و توضیحی لازم است عرض‌کنم چون این‌قانون بجهت امروزنیست بسا میشود این‌اداره وسعت‌هم پیدامیکند ممکن است بعضی مطالب را بخواهند بتوسط مباشر ثبت بولایت دیگر اظهار بکنند همانطورکه مخارج حرکت را بعهده خودش واگذار میکنند همینطور مخارجی هم اگر برای تلگراف لازم باشد‌باید‌بعهده رجوع کننده باشد .

رئیس- پیشنهاد را بخوانید (باین‌عبارت‌خوانده شد) بنده در تنبیه این‌اصلاح راپیشنهاد میکنم

۳ - مخارج مخابرات تلگرافی وحرکت درفقره ۱۳ بعهده رجوع کننده است حاج شیخعلی

رئیس- آقای مخبر دراین پیشنهادچه‌میفرمائید قبول دارید .

آقاشیخ ابراهیم - مخارج مخابرات‌تلگرافی یعنی‌چه آن چه‌ربطی بمباشر ثبت‌دارد

رئیس - رأی میگیریم دراین پیشنهاد کسانی بااین‌پیشنهاد موافقند قیام نمایند - ردشد - بقانون استخدام شروع‌میشود بخوانید .

(آقای‌معاضدالملك شروع کردند بقرائت قانون استخدام وماده اول‌را قرائت کردند)

بهجت — بنده مخالفم با اصل این قانون و چون بدواً هم بایدشور درکلیات قانون‌بشود‌باینجهت باید مقدمهٔ آنهم خوانده‌شود .

رئیس - چون موافق معمول میخواستم اول تمام مواد خوانده شود بعد داخل درشور کلیات‌بشویم لکن خوانده نخواهد شداول داخل شور در کلیات میشویم اگر مخالفید بفرمائید .

بهجت - درموقعیکه ما وارد میشویم بقانون استخدام گرچه این بدیهی است وشکی در این‌نیست که‌قانون استخدام باید وضع‌شود واین چیزی‌نیست که ما درآن بحث بکنیم ولی این چیزیکه اینجا نوشته است‌جادارد خیلی درآن مذاکره بشود دراینجا‌بشرح مفصلی مینویسد‌که وزارت معارف وفوائدعامه لایحه دادند‌درخصوص مستخدمین آنوزارتخانه بعدما‌بملاحظه اینکه‌میخواستیم‌وزارتخانه‌امان اصلاح بشودو‌بودجه‌مان زودتر تهیه بشود آمدیم این را تعمیم دادیم بتمام وزارتخانها لکن بدبختانه درذیل این‌یکچیزی نوشته میشود‌که موجب یأس وناامیدی سایر افرادملت بلکه نمایندگان آنهاهم خواهد شد برای اینکه ما امروز یك‌سابقه داریم بدست میدهیم که سابقه بسیاربدی‌است وآن این‌است که می‌بینم‌نظر اولیای امورمان بادارات مرکزی است درصورتیکه شاید ادارات مرکزی‌ما اینقدر اهمیت که اصلاحات‌سایر نقاط دارد نداشته‌باشد برعکس بالکلیه اصلاحات باین‌نقطه متوجه است مثلا ممکن است یکوقتی در مسئله نان وگوشت مرکز چندین جلسه مجلس کنیم ومذاکره کنیم درصورتیکه برای وقایع خیلی‌عمده که درغیر طهران روی‌میدهد هیچ متأثر نمیشویم یعنی میخواهید بگوئید نمی‌فهمیم یااطلاع نداریم و اینهم بدیهی است ویك‌اثر طبیعی دارد که هرچیزبردیگری بیشتر جالب‌نظر میشود‌بنده عرض‌میکنم بالاتر ازاین نیست‌که میگوئید میخواهیم بوضع این‌قانون بودجه‌مان را اصلاح بکنیم همینکه بودجه اینجا اصلاح‌شد آیا بودجه همه ادارات‌اصلاح میشود اینکه نیست میگوئید چون مانمیتوانیم‌یکقانون جامع کلی بنویسم که ادارات خودمان‌را در همه‌جا در تحت آن‌قانون در بیاوریم واصلاح بکنیم این است که‌از برای اینکه شروع‌باصلاح ادارات مرکزی‌مان کرده باشیم و اعضاء و اجزاء اداراتمان را از اشخاص عالم ولایق تری انتخاب بکنیم فقط یك شرایطی‌مینویسیم که باآن شرایط میتوانیم‌یك‌ادارات صحیح‌ویك‌بودجه ترتیبی داشته باشیم بنده همین‌جا راگرفته عرض‌می کنم آیا بمجرد اینکه این قانون وضع شد در طهران بودجه‌مان درست می شود ؟ بودجه‌که درست نمیشود برای اینکه اداراتمان‌که منحصر بطهران نیست‌وازاین گذشته بایدما‌احساس یك مانعی دراین قانون بکنیم که نشود در ولایات اجرا کرد والامانعی که در خودمان نمی‌بینم واز اینکه صعوبت داشته باشد که‌در ولایات اجرا بشود بنده عرض می کنم‌که اجرای این قانون درطهران باید بیشتر اشکال داشته‌باشد چرا بجهة اینکه‌در طهران در ادارات اقلا ده‌هزار نفر مستخدم هستند واین‌ها ازروی یك ترتیب صحیح استخدام نشده‌اند بدیهی‌است بموجب این قانون به‌پنج‌شش‌هزارنفرش دست می‌خوردلکن مأمورین ولایات‌خیلی کمتراست وبهراتب‌السهل‌است‌درحق آنها اجرا کردبجهت‌اینکه مأمورین ولایات ازمرکز میروند ممکن‌است که آن مأمورین رابآن‌شرایط‌نفرستند ثانیاً وقتیکه‌ملاحظه بکنیم تمام مأمورین عربستان وفارس وسیستان‌مثلا روی هم رفته پانصدنفر می‌شوند به‌بینید بهریك از ولایات چه‌عده‌میافتد وآنهاکه نالایق هستند‌ازبین آنها چقدرهستند درصوریکه‌هروزارتخانه مختصررا که این‌اصلاحات رالازم دارد اقلا پانصدنفرمستخدم دارد واغلب‌هم ازروی یك ترتیب صحیح استخدام نشده‌اند واگر بخواهیم آنهارااصلاح کنیم می‌بینیم نمی‌شود صدا بلند میشود بجهة اینکه اشخاصی که دارای حقوق نبوده‌اند حالا حقوق دارند وهمین که بآنها دست‌بزنند درمساجد جمع‌میشوند صداها بلند می‌شود پس‌بنابراین‌ا گرماخوب‌فکر بکنیم می‌بینیم که باید اول شروع بادارات ولایات بکنیم بجهة اینکه اصلاح‌اول ازعضوضعیف شروع می‌شودامروز یك رئیس نظمیه‌یایك‌امین‌مالیه‌برای خارج‌می‌خواهیم بفرستیم باید به‌بینیم‌چه‌مانعی‌پیدامیشود که‌نمی‌توانیم اجرا بکنیم‌فلسفه‌این‌قانون راهم که‌ملاحظه‌می کنیم می‌بینیم‌همین است‌که اصلاح‌ادارات وتعدیل‌بودجه است‌واین فلسفه‌راهم‌می‌بینیم که‌درولایات موجوداست پس‌باید این‌قانون هم درولایات باشد واگر اینکه اختصاص بمرکز داده‌اند بملاحظه صعوبت اجرای آنست‌درولایات آنراهم بنده بدلیل ثابت کردم که صعوبت اجرای این‌درمرکز بیشتراست بعلاوه اگر بخواهیم مرکزیت بدهیم بدولت خودمان یعنی یك دولت داشته باشیم باید ترتیب‌مرکزیت عمل کنیم ومی‌بایست یك‌قانون‌جامع داشته باشیم‌واین اهم‌باید بدانند آقایان که‌قانون یکمرتبه درتمام مملکت‌اجرا نمی‌شود بلکه تدریجاً بمقام‌اجرا می‌آید مابخواهیم که‌یك قانون‌راعطف بکنیم بیك‌جا که دریك‌حاآن قانون باشد ودرجای دیگر نباشد این طبیعی است که بالکلیه‌اسباب‌عدم‌مرکزیت‌می‌شود واین‌مضراست واین مقدمه باید برداشته شود .

فهیم الملك — بااین نظریاتی که آقای بهجت فرمودند که این تعمیم بولایات داشته باشدچه درمرکز چه‌درسایر ولایات تمام این‌مطالب درکمیسیون ملاحظه شدو درآن مقدمه که ملاحظه فرموده‌اند همه‌اینهارا داشت رایورت اولی هم که کمیسیون ترتیب داده بوزارتخانهافرستادند‌عمومیت دارد ولی بعداز آنکه نظریات ثانوی ازوزارتخانها برگشت‌دیدیم‌امروزنمی شود این‌قانون رادرولایات اجراکرد ونظراتش هم‌اینست دراینکه این‌ادارات ما از روی یك ترتیب صحیحی مرتب نشده و بیك ترتیب غیرصحیحی تشکیل‌شده است‌هیچ‌حرفی‌نیست وهرقدر هم‌که ادارات تشکیل شد است جز یك سنگینی بودجه‌حاصل دیگر ندارد و رفورم‌مبارت بوداز گذاشتن یك‌میز که روی آن ماهوت سبزی کشیده‌است ودرولایات هم‌چیز دیگری غیراز این وجود نداشته‌است جای شبهه‌نیست‌و می بینم‌یك‌اداره که ملاحظه اشخاص رانکرده‌باشد و ملاحظه‌کار را بکند دراین‌جایك چنین‌اداره نداریم ومی‌بینیم‌باین ترتیب سال بسال ماه بماه اضافه می‌شود و بودجه سنگین می‌شوددرسایرممالك معمولاً ترتیب ادارات در یك هیئتی داده میشودکه غیراز وزارت‌خانه‌ها است و آن درشورای دولتی است‌که شورای‌دولتی چون خودش‌داخل‌هیچ اداره‌نیست وچون داخل‌اداره نیست و طرفدار هیچ اداره‌نیست باکمال بی‌طرفی می‌نشیند‌یك‌نظامنامه که هیچ ملاحظه‌اشخاص‌رانکرده باشد درکمال خوبی‌می‌نویسد آنوقت‌آن‌اجرامیشود

حالا ما که یك چنین مجلی نداریم که یك چنین نظامنامه بنویسند و می‌بینم روز بروز این ادارات زیادمی‌شود و بودجه‌ما سنگین می‌شود معلوم است هر کاری را باندازه‌پایه‌اش اصلاح کرد مرکز این مملکت امروز طهران است مرکز ولایات و ولایات هم ادارات طهران است آیا میشود ادارات اینجا را ترتیب و بی اساس وغیر تنظیم بگذاریم و بیرد ازیم بولایات ومیفرمایند قانون کلی وضع کنیم قانون یك چیزی است که باید با هم موافقت داد و اصلاح کرد هنوز ما قانون صحیحی نداریم و قانون چیزی است که باید سال ها در دولت جاری باشد و از روی آن عمل بکنند قانون چیزی نیست که شش ماه بعد تغییر بکند همیشه امورات جزئی اداری را موکول بنظامنامه و دستخط و غیره قرار داده اند برای این است که آن بدست وزراء است و آن راهمیشه وزراء میتوانند تغییر بدهند وآن محتاج بشورورای دادن در مجلس نباشد قانون را بدست مجلس میدهند که طوری نباشد که ماه بماه تغییر بکند باید یك اساس مرتب کرد و درجات ومقامات رامعین کرد و آنوقت مستخدمین را تطبیق کرد باآن درجات و ما هنوز درجات مستخدمین و مأمورین مالیه را نمی دانیم چیست و ممکن است یك مأمور مالیه که امروز معین می کنند تا چهار ماه بعد تغییر بکند اگر ما یك اداره خزانه در ولایات پیدا کردیم مأمورین مالیه نمی‌توانند مداخله در ایصال وصول وجوه دولتی بکنند کارشان این خواهد بود که مالیات را تشخیص بدهند و بدهند باداره خزانه درصورتیکه امروز مامورووصول مالیات مامور تشخیص مالیات مامور پرداخت مالیات مامور همه چیز همان مأمور مالیه است همچنین مأمورین سایر ادارات که امروزه در ولایات هستند حسابشان همین طور است ممکن است وجودشان بعد از این هیچ لازم نباشد و ممکن است که کارشان را بجای دیگر ارجاع بکنند یعنی کار آنها هنوز هیچ اساس ندارد لیکن الان یك مأموریتی میفرستند اعم ازاینکه کارداشته باشند یا نداشته باشند و یك حقوقی هم بآنها می‌دهند حالا این‌ها را نمیتوان هیچ اساسی قرار داد و از آن گذشته وقتی رمی گردیم بمرکز می‌بینیم در مرکز یك اساس صحیحی نیست و اصلاح را باید شروع کرد از آنجائی که این مأمورین بروند باید از آنجائیکه اینها را مأمور می کنند ومی فرستند تحت یك قاعده مرتبی باشند واوهرقدر مختصر باشد بنده عرض می کنم این قانون طوری است که تمام کارهای ما را اصلاح می کنید لکن همینقدر هست که قدری جلو میاندازد کار ما را و ادارات ما را که درشرف اصلاح و تأسیس است تابعد بترتیب کاملتری بیفتد اینجا اگر منظم شد بعد ترتیب ماموریتی که بولایات می‌خواهند برونده هیچ کار مشکلی نیست و محتاج بقانون هم نیست ممکن است دروزراء یا در شورای دولتی که درامور ادارات مذاکره می کنند بنویسند که امین مالیه خراسان رتبهٔ مدیری یا مدیر کلی خواهد داشت این هیچ اهمیت ندارد اینکار را هم می کنند پس اگر ما این کار را بکنیم نه اینست که فقط اساس مرکز را درست کرده‌ایم بلکه شالوده اصلاحات ولایات را هم ریخته‌ایم اینکه اینجا نخواستیم اسم ببریم وقید بکنیم بجهت این بود که درست نه وزارت خانه مسبوقند بترتیب ادارات وولایات نه ترتیب آنجاهارا بخوبی وزارتخانه هامیدانند تا اینکه ما بتوانیم یك قانون کلی الان بگذاریم تمام به اقتضای وقت وروز یك کاری کرده‌اند اینست که این را نمیتوانیم یکقانون کلی قرار بدهیم برای تمام ولایات باینجهت عجالتاً آنچه را الان درمد نظر داریم و آنچه را که میتوانیم نسبت به این موادتطبیق بدهیم آن ادارات که درمرکز هستند ونسبت بمأمورینی که خارج ازمرکز هستند در ولایات بتوسط وزراء و دستخط والاحضرت نایب السلطنه برایشان ترتیبی قرار میدهیم.

حاج شیخ اسدالله - این فرمایشات مخبر جواب آن اشکالیرا که آقای بهجت کرده‌بود والا ما حرفی نداریم در اینکه تمام اداراتمان بی‌ترتیب است وباید یکقانونی برای استخدام نوشت ولی قانونیکه ازمجلس میگذرد باید عمومیت داشته باشد منتهی چیزی که می فرمایند باید بازمرکز شروع شود در ترتیب اجرای این وبعد بولایات سرایت بکند وادارات هم مرتب اشد چه درمرکز چه درسایر ولایات دراینجا مسی نویسد مقصود ازاین قانونی که ما میخواهیم وضع کنیم برای ترتیب وتهیه بودجه است همین راملاحظه کنند آیا اگر مستخدمینی که درولایات هستند اگر بی ترتیب باشد قانون استخدام آنها بودجه مملکتی ما مرتب میشود یانمیشود بدیهی است نمیشود اگر مرتب میشود بااین بی ترتیبی که بهمین حال باشد پس چرادرمرکز تغییرات میخواهید بدهید وقانون استخدام را منحصر بمرکز کنید مرکزهم بهمین حال باشد اگر مرتب نمی شود وباید قانون استخدام نوشت آنوقت باید شرایط استخدام رانسبت بولایات وایالات عمومیت دادواین که میفرمایند ما ازادارات ولایاتمان بی‌اطلاع هستیم اینطور نیست برفرض هم که اینطور باشد این منافات ندارد بااینکه ماقانون بنویسیم ونسبت بتمام ولایات وایالات عمومیت ندهیم اگر بناشود ازبرای طهران واستخدام مرکز بنویسیم همان شورای دولتی بنویسید ونایب السلطنه امضاء کند و اجرا بداریم در تمام مملکت لازم نیست که مجلس بنویسد و اجراء بشود درتمام مملکت فرق ندارد ادارات ایالات و ولایات مان آنهاشعب ادارات مرکز است قانون هم که از مجلس میگذرد باید عمومیت داشته باشد نه این که قانون بمجلس میآورند وبعد میگویند قانونی برای فلان شهر میخواهیم بنویسیم بااینکه این شرایط بفلان شهر مخصوص است ازبرای خراسان ما این قانون را نمینویسیم ازبرای فارس مینویسیم چه فرق میکند تمام ایالات وولایات ومرکز یکی است هیچ فرق ندارد خواستم که مستخدمین را درتحت این قانون بیاوریم ودارای این شروط باشند بلی باید ازمرکز شروع شود تابرسد بولایات همچنان که اعضای ادارات باید دارای این شرایط باشند همین قسم شعب آنهاهم که درولایات هست بایددارای همان شرایط باشد امااین که میفرمائید ماامروز این قانون رابرای مرکز بنویسیم وبعد برای ادارات وولایات ومستخدمین آنها باید شورای دولتی قانون بنویسد وبعد باید ازمرکز شروع به اجرا شود این رامنکر نیستم که مامشغول بعملیات که شدیم از مرکز شروع شود این را قبول داریم بترتیب شروع بکنید وبعد بهمین ترتیب سرایت بدهید بولایت اما این قانون را کلی بنویسید که بتوانید سرایت بدهید سایر ولایات تااینکه متدرجاً در تمام مملکت سرایت بکنند برای اینکه قانون باید کلیت داشته باشد و فرمایشات مخبر را بنده رد میکنم و بکلی قبول ندارم.

رئیس — مذاکرات در کلیات کافی نیست (بعضی گفتند خیر).

فهیم الملك - آقای حاج شیخ اسدالله ملتفت عرایض بنده نشده اندعرض نکردم این قانون محدود بهمین جا خواهد شد و بولایات سرایت نخواهد کرد ومتدرجاً اجرای اودرباره مامورین بسته است باینکه بتصویب وزراء یاشورای دولتی برسد وملاحظه مقتضیات آنجا بشود وهرقدر پیش می‌آید باتصویب هیئت وزراء و شورای دولتی متدرجاً نوشته شود عرض کردم این یك مرتبه نباید درتمام مملکت اجرا بشود باید متدرجاً ادارات خودشان را اصلاح کنند ولی مأمورین سایر ادارات ولایتی را بتصویب هیئت وزراء بگذارند یکی یکی ازمأمورین راحالشان را سنجیده وملتفت شوند وآنها رابولایات بفرستند حالا اگر بخواهیم ملاحظاتی که در این کار بوده و در کمیسیون مذاکره شده‌است اینجا عرض کنم چندین جلسه وقت مجلس رابایدمشغول بکنیم.

وحیدالملك - یکی از مهم‌ترین قوانین قانون استخدام است برای اینکه دو اهمیت دارد یکی اینکه بواسطه آن چرخهای دولت بکارافتاده میشود و یکی اینکه بودجه مملکتی تسویه میشود این دواهمیت بزرك را داراست ولی بهمین دلیل که دواهمیت فوق‌العاده دارد باید درنوشتن و گذراندن آنهم اهمیت فوق‌العاده داد یعنی مواد آن باید دارای دوجنبه باشد یکی جنبه قانونی و یکی جنبه عملی و هردو بقسمی بایدمربوط بهم باشند که بخوبی می‌شود آن قانون را بموقع اجرا گذاشت وبنده بعد از آنکه این قانون رانگاه کردم بعضی نواقص در آن دیده‌ام که برای تذکار لازم میدانم عرض کنم ایراد هم نیست تا اینکه آقای مخبر لازم بدانند جواب بدهند اول آنکه شرایط قانونی استخدام از قبیل سن ومعلومات وخصائص مستخدمین لدی‌الورود اینجاممین نشده است وکافی نیست و باید معین و قانونی بشود - دوم مواد این قانون درست جریان ترفیع رتبه ومقام مستخدمین راملوم نمی کند وآنرا طبیعی نمی نماید سیم خصوصیات مستخدمین را در دوائرمختلفه دولتی که باید قانوناً معین بشود این قانون معین نکرده است باین معنی که خصوصیاتی راکه مستخدمین وزارت جنك لازم است داشته باشند وهمچنین خصوصیات ومزایائی راکه بایدمستخدمین وزارت امورخارجه داشته باشند ودرقانون بایدمعین بشود دراین‌جا معین نشده است چهارم تقسیمات و شعبات استخدام دولتی را از قبیل ادارات و شعبات کشوری ولشگری وسیاسی راکه باید قانون معین بکند وقانونی بشود وجایش هم در قانون استخدام است دراین‌قانون معین‌نکرده است که از چه قرار است پنجم یك مرابطه مخصوصی راکه قانون باید بادارات دولتی که درکرفتن مستخدمین بدهد این قانون‌نمیدهد باین‌معنی که مراکزمعینه برای گرفتن مستخدمین معین نشده است ودراین صورت هراداره ازبرای خودش مستقیماً میتواند مستخدم بگیرد و باین ترتیب آن رابطه قانونی که باید فیمابین مستخدمین مهیا باشد ازروی‌این قانون مهیانمیشود ششم - میزان مواجب هائی که دراینجا معین شده است معلوم نیست که‌ازروی اصول قانونی‌معین‌شده است - هفتم چون گفتم که اهمیت قانون استخدام ازدو جهة است یکی بکار انداختن چرخهای‌ادارات دولت ویکی تصفیه بودجه آنها ازروی این قانون که مرکز ازایالات و ولایات تجزیه شده است آن مقصود بعمل‌نمیآید که بکنار یك‌نوع عدم‌مرکزیت هم بمیان خواهد آمد که آنرا آقای بهجت و سایرین فرمودند - هشتم تجزیه ادارات مرکزی وزارت‌امورخارجه باادارات نمایندگان آن‌وزارتخانه درممالك‌خارجه ممکن‌نیست وآنهم یك‌عدم‌مرکزیت فوق‌العاده بمیان خواهد آورد وباین ترتیبی که‌اینجا نوشته شده‌است هم‌باعث عدم تصفیه ودرهم‌وبرهمی بودجه وزارتخانه ها خواهد شد وهم امورورزارتخانه آنطور که باید مرتب نمیشود — اصول تمام این عرایض که کردم قانوناً باید معین شود ودوازمجلس شورای ملی بگذرد بعد تمام جزئیات آنها را نظامنامه های داخلی ادارات که باید نوشته شود تکمیل میکنند ودراین جا معلوم نیست که‌چه‌قسمتی ازآن را باید قانون معین بکند وچه قسمتی ازآن را نظامنامه‌ها پس بطوریکه عرض کردم این‌قانون نه جنبه قانونیش معلوم است و نه جنبه نظامنامه و عملیش وبنده بااین‌نواقصی که دراین قانون‌می‌بینم هیچوقت صلاح نمیدانم و تصویب نمی کنم که یك همچه قانون ناقص ازمجلس بگذرد وبهتر این‌است که این قانون برگردد بکمیسیون وبرای تکمیل این نواقص - ه عرض کردم دوباره تجدید نظر بشود ویك قانون کاملی بمجلس پیشنهاد شود که بدون مذاکره وگفتگوی زیاد انشاء الله ازمجلس بگذرد.

فهیم الملك - خیلی تعجب میکنم ازفرمایشات آقای وحیدالملك که بهیچ وجه ربطی بقانون ندارد تاامروزهیچ‌دیده نشده است که یك قانونی بنویسند که برای ادارات مالیه دردفترمحاسبات بایدمستخدم آن فلان تحصیلات را کرده باشد یااینکه مستخدم دفتردار قونسولگری فلان جا بفلان اندازه قانون ثبت اسناد خوانده باشد یامستخدم اداره فوائدعامه چه خوانده باشد هیچوقت قانون این چیز ها را نمینویسد اینها راجع است بامور داخلی وزارتخانه ها وادارات آن وهر وزارتخانه برای ترتیب امور داخلی خودش لابد است از این که یك نظامنامه بنویسد که مستخدمینش چه شرایطی را داراخواهند بودمثلی خواهدداشت ثبات خواهدداشت چه‌خواهد داشت وهمچنین ازبرای هریك ازمستخدمین درجاتی خواهند قرارداد که مستخدم فلان درجه چه‌معلوماتی را باید دارا باشد اینها چیزهائیست که راجع است بنظامنامه حتی میخواهم عرض کنم که این اندازه راهم که مادادیم جزء قانون میکنیم دراغلب‌جاها قانونی نمی کنند نهایت ما چون آن ترتیبات را ندادیم ناچاریم از اینکه جلوگیری بکنیم وچون اغلب ازچیزهائی راکه فرمودند داخل درشورمواد بود این است که بنده حالا بیش از این نمیتوانم شرح بدهم وقتیکه داخل درشور موادشدیم آنوقت جواب آنهارا شاید مشروحاً عرض بکنم که‌حضرتعالی هم قانع بشوید و همینقدر عرض میکنم که با این ترتیبی که ما داریم کامل تر از این ممکن نیست قانونی امروزه بنویسیم برای اینکه ما تأسیسات آنهارا نداریم نه مدارس‌داریم که بنویسیم‌شاگرد فلان مدرسه باید باشند نه چیز های دیگر مایك اساس را باید درست بکنیم و یك شرایطی قرار بدهیم از برای دخول در خدمت تا این که آنهاهم مجبور بشوند یك‌نظامنامه از برای‌ادارات خودشان ترتیب بدهند آنوقت اینهائی را که فرمودند اصلاح بکنیم والا اگر بخواهیم که تا این اندازه که ممکن است هم شرایطی قراربدهیم همان توقعاتی‌است که تابحال کرده‌ایم‌که دفتیم‌ادارات ما زیاداست اصلاح کنید مأمورین ما زیاد است اصلاح کنید آنها هم رفته‌اند این کارها را کرده‌اند وبالاخره دیده‌ایم که همه کاررا کرده‌اند غیرازوزارت درصورتی که وزیر ونماینده‌ها کثریت مجلس که‌نماینده اکثریت ملت‌است خواهد بود و هیچ کاری بترتیب جزئیات مستخدمین وادارت نباید داشته باشد فقط باید مشغول اجرائیات قوانین موضوعه باشد حالا همین کار را که ما همیشه ازروی بی رویه تقاضا کرده‌ایم میخواهیم ازروی ترتیب صحیحی بخواهیم واساساً یك چیزهائی را معین بکنیم که سرشق بشود وازروی آن کم کم عمل نمایند ودربابب اینکه فرمودند این قانون تجزیه کردن ادارات ولایات‌را ازادارات مرکزی بمیان میآورد آنهم‌کار مشکلی نیست بجهت اینکه‌ما تصویب کرده‌ایم‌که تطبیق‌این قانون با ترتیب ادارات سایر ولایات باید که با تصویب یك هیئتی بشود حالا آن هیئت را هیئت وزراء قرار می‌دهید شورای دولتی قرار می دهید هرچه قرار می دهید آن یك چیزعلیحده است که بایستی بمجلس بیاید بعلت اینکه ما در این جا ننوشته ایم که اگر مستخدمین فلان تقصیررا کردند مجازات نباید بشود همچو چیزی نخواهد بود ما برای این فعلا اینقانون را بولایات تعمیم ندادیم که چون ترتیب شعب ادارات ما معلوم نیست‌شاید فلان وزارتخانه فلان مامور را درفلان نقطه لازم نداشت که باشد وما اگر این را تصدیق نیم مثل اینست که تصدیق کرده‌ایم که آن مأمور بایستی در آنجا بماند پس ما باید اول معین کنیم که مأموری برای فلان نقطه لازم هست یا اینکه لازم نیست وقتی که ازمش معین شد آنوقت ممکن‌است بهمان ترتیبی که عرض کردم اینقانون را درباره آنها هم‌مجری نمودوسایر چیزهائی که فرمودند چون داخل‌درشور مواد است وبایددرآن موقع مذاکره بشود عجالتاً جواب عرض نمی کنم.

هشترودی — ازمقدمه اینقانون یعنی‌مقدمهٔ که کمیسیون نوشته است همچو معلوم می‌شود که وزارت‌فوائد عامه یك قانونی برای ادارات وزارت خانه خودش که همه آقایان خوانده‌اند پیشنهادمجلس کرده‌اند ومجلس هم‌یکمیسیون قوانین مالیه رجوع کرده‌است بعد ازآن نظر اعضاء کمیسیون دستی پیدا کرده‌است که اینقانون را بتمام وزارت خانها تعمیم بدهند این‌است که‌بتمام وزارتخانها فرستاده‌اند بترتیبی که دراینجا نوشته شده است ولکن این موادی‌که دراینقانون نوشته شده‌است بنده‌همچو می‌بینم که خودشان مقرند که این کافی نیست که قانون صحیحی برای تمام وزارتخانها باشد برای اینکه‌نوشته‌اند دراینجا که پس ازچند جلسه‌مذاکره وشور لازم درلوایح مزبور و توضیحات اخیروزارت خانها عقیده کمیسیون بر این شد که اولا اینقانون عجالتاً مخصوص‌ادارات مرکزی وزارت خانها باشد وتطبیق آن نسبت بمأمورین ایالات وولایات باید بتدریج پس ازشور درهیئت وزراء وتصویب‌شورای دولتی وامضای‌همایونی‌بعمل بیاید ثانیاً چون‌ادارات وزارت‌خانها امروزه درکار تشکیل وتکمیل میباشد نمی توان قانون ثابت دائمی که شامل تمام نکات و دقایق لازمه انتظام‌ادارات باشد وضع بشود—این دلیل‌است براینکه‌خودشان مقرند براینکه اینقانون مضبوط بقاعده‌نیست‌مثل‌اینکه بنده هم‌همچوچیزیرا واقعاً قانون نمی‌دانم وشخص وقتیکه خواست‌قانونی را بنویسد باید تمام چیزهائی که‌درقانون لازم‌است حالا نمیدانیم اجرا کنیم اجرا نشود کلیات قانون د اجرائیات دو تا است و در کلیات قوانین نباید گفت‌که چون نمی توان این قانون را درفلانجا اجرا کرد پس نباید قانون‌را کامل نوشت باید ناقص باشد برای‌اینکه‌اگر نمیشود که اجرا بشود ناقصش راهم نمیشود اجرا کرد بنده با عقیده کمیسیون مخالفم ولی با پیشنهاد دررات‌فوائد عامه موافقم و عقیده‌ام اینست که خوب بود همان چیزی را که وزارت‌معارف نوشته بود راپورت بدهند شاید‌مایك قانون صحیحی برای یك‌وزارتخانه می‌نوشتیم که‌اهم تمام وزارتخانه‌ها باشد و بنده اجرای آن را برای این وزارتخانه خیلی‌سریع وممکن میدانم ومردم‌هم درهمه‌جاقانون آنوزارتخانه بخصوصرا قبول‌میکنند ومخالفم با اینکه کمیسیون نوشته است که بتمام وزارتخانها تعمیم‌داده‌شود.

حاج وکیل الرعایا - بنده تصور میکنم که در اینجا کمیسیون ودولت تقریباً مقصودشان یك شناختن موقع و مقتضیات وقت و یك‌استفاده‌عاجلی بوده است وآن قانون مطلوبی‌را که آقایان درنظر دارند نمی‌توان انتظار داشت و موقع هم‌اهم ازاین است که منتظر آن قانون مطول‌شد و باز دلیل دیگری دارم بر اینکه هیچ نمیشود ولایات‌راآورد و دراین قانون اشتراك‌داد وآن اینست که این جا دولت سه‌چیزرا درنظر گرفته است و کمیسیون‌هم‌با او شرکت کرده است یکی اخراج بعضی اشخاص نالایق‌اگر دروزارتخانه باشد دویم شناختن مقدار مقرری که باید بآن‌اشخاص لایق بدهد که‌کاربودجه قدری آسان بشود و اینجاهم توضیحی دارم که لازم است عرض کنم و آن این‌است که حقوقیرا

که‌دولت‌درمرکز که تقریباًمخارجش‌بامخارج پاریس نزدیک‌شده‌است‌میخواهدبدهدهیچ‌نسبتی‌ندارد‌باحقوقی که‌درهمدان باید‌بدهد برای اینکه درهمدان‌ممکن است‌یك ثبات‌گرفت بماهی‌شش تومان‌اما درطهران هیچ نمی‌توان این‌نسبت‌را تصور کرد و گمان‌میکنم که دولت خوب‌نظری داشته است که این را برای مرکز قائل‌شده‌است و تشخیص آنرا بعهده خودش گذارده‌است برای اینکه مخارج مأمور سیستان خیلی زیادتراست از مخارجی که برای مأمور رشت هست این تفاوت‌هست تا وقتی که مملکت‌ماراه‌آهن ندارد ونمی‌توان یك‌تناسبی درآن‌مخارج معین کرد مثلا نقاط کرمانشاهان خیلی کم است همدان بیشتر است ساوجبلاغ کمتر است اینها یك‌چیزی است که معین است وقتی در مملکت شما می‌توانید‌یك‌قانون کلی را اجرا بکنید که نقاطش بهم متصل‌باشدمثل (سویس) تا اینکه آن استفاده‌را که درنظر دارید بتوانید‌از آن حاصل کنید و بالاخره عرض میکنم اکسر مقصود مجلس موافقت باشد با عرایض بنده دولت اینجا سه استفاده خواهد کرد انتظار آنقانون کلی که آقایان اظهار کردند یك‌اداره صحیح است ولی این‌انتظار امروزدولت را ازاین‌استفاده‌محروم میدارد و آن سه استفاده یکی‌را که عرض کردم دومی اینستکه میگوید این قانون‌است و پیش از این دیگر از او توقع نمیکنند و سیمش این است که این یك قانونی هست که عجالة دردست دولت باشد امروز بچه‌دلیل باآنها ایراد میکنید‌هیچ‌چیزی که بدست آنها نداده‌اید وازروی هیچ‌هم که‌نمیشود ایرادکرد اقلا‌یك قانونی‌را بکدرانید‌آنوقت‌باآنها ایراد بکنید این است که بنده گمان می‌کنم که این قانون برای امروز خیلی مفید است و گمان میکنم که مجلس هم موافقت بکند در اینکه این قانون بگذرد.

بهجت - این سابقه بقدری سابقه بدی است که من هرقدر بتوانم باید دفاع بکنم آقای مجیر اشتباه‌میکنند هیچ کس توقع ندارد که در اصلاح امور مالیه که شروع میشود اول مالیه عربستان را اصلاح بکنند‌بعد بیایند بطهران بدیهی‌است که‌اصلاح هرامری و اجرای هرقانونی بایداز مرکز شروع بشود ولی باین ترتیبی که درمقدمه این‌قانون‌نوشته شده است این یك سابقه خیلی بدی خواهد شد که منبعد درکلیات تمام قوانین ما نوشته خواهدشد و ولایات بکلی‌محروم خواهند ماند بشکل‌مستعمرات و این یك مطلبی است که بنده و وکلای ادارات مرکز آنرا قبول نخواهیم کرد بدیهی است که قانون را وقتی‌که ما شروع باجرا کردیم تااز این‌جا جلو راهش را صاف نکردیم مجری نمی‌شود‌باید تمام این نقاطی راکه در جلوهست ازمرکز گرفته صاف بکنیم‌تا بآن نقطه آخر برسیم و هیچ‌اشتباه هم نکنید ما نمی‌خواهیم قانون را بطور انقلاب یك دفعه‌جاری کنیم‌بلکه مامعتقدیم‌باین‌که هرقانونی بتدریج باید در مملکت اجرا بشودو چنانچه‌خود آقای مخبر هم توضیح می‌فرمایند می گویندکه ما الان ازوضع ولایات خوب مسبوق نیستیم‌نمی‌توانیم چیزی بنویسیم باید تحصیل اطلاعات بکنیم بعداز برای آنها یك قانونی وضع بکنیم بنده عرض می کنم ما نمی خواهیم امین مالیه عربستان امین مالیه تبریز بشود بلکه می‌گوئیم اگر کسی‌محکوم بقتل و سرقت بشودیا متهم بعدم تابعیت بشوددداخل خدمت نباید بشود چه مرکز باشد چه ولایات هیچ فرقی ندارد من می خواهم بدانم‌که این‌قانونی راکه ما می‌خواهیم بدانیم‌اکاین قانون را که ما می‌خواهیم وضع بکنیم مربوط بکی است چطور می‌شود که عربستان را شما از یك قانونی محروم بکنید یا این که عده جمعیتشان را ندانسته باشید چطور شما می‌توانید مسئولیت یك اداره را بعهده بگیرید ولی اعضاء آن اداره را نشناسید این را ما بعهده شما نخواهیم گذاشت قانونی که مجلس شورای ملی وضع می‌شود چه در خصوص انجمن ایالتی باشد وچه در خصوص انجمن بلدی باشد در هر خصوص که باشد راجع بتمام ادارات ولایات این مملکت خواهد بود و ما و کلای ولایات هیچ نمی‌توانیم این جا بنشیم و ببینیم که یك قانونی در مجلس شورای ملی‌وضع بشود که از شکل‌مرکزیت خارج بشود و منحصر بطهران باشد و ولایات از آن‌محروم باشند بنده که یك نفر از وکلای‌ولایات هستم ابدا یك همچو قانونی را تصویب نخواهیم کرد و از آنجائی که من باید حفظ حقوق تمام موکلین خود را بکنم عرض می کنم که اگر یك همچو چیزی باشد سابقه خوهدشد برای سایر چیزها برای این که در قانون استخدام که قانون دولتی است وقتی گفتم مطبع نیستم درامور مالیات بطریق اولی خواهیم گفت که‌مسبوق نیستیم یا در قانون انتخابات پس فردا شاید بمجلس بیاید از برای‌طهران باید بیك شکل مخصوصی قانون‌وضع بکنیم و بالاخره اگر ما این سابقه را در این کلیات تصدیق بکنیم ناچاریم که در هر قانونی که بعد از این می‌آید همین سابقه را منظور بداریم باز تکراراً عرض می‌کنم‌که مشتبه نشود ممکن است ده سال بگذرد تا این‌قانون بعربستان برسد بنده‌هیچ مایل نیستم که‌این قانون امروز درعربستان اجرا بشود ولی خیلی بد می‌دانم این را که این قانون در این‌جا وضع بشود و در آن نوشته شود که اختصاص بمرکز دارد بجهة این که قرائنی که در مجلس شورای ملی وضع می‌شود برای‌این است که شامل حال تمام افراد مملکت بشود ما نمی‌توانیم یك قانونی را وضع بکنیم و اختصاص بدهیم بیك نقطه یااین که اگر اخلاق آذربایجانی را با اخلاق عربستانی ها مخالف دانستیم قانون را تغییر بدهیم و مطابق اخلاق هریك قانونی علیحده وضع بکنیم این راکه نمی‌توانیم پس باید مجموع اخلاق اهالی تمام مملکت را درنظر بگیریم ویك قانونی وضع بکنیم که شامل تمام آنها باشد و در آخر عرض خودم عرض می کنم که ما می‌خواهیم قانونی وضع بکنیم که شامل‌تمام افراد مملکت‌باشد وممکن است مدتهای مدیدی طول بکشدتا این که اسباب ومقدمات آنها را فراهم بکنندو بموقع‌اجراء بیاید الا این که آنقدری که مخالفت داریم برای این است که ممانعت از تعمیم را نباید مربوط کنیم باین که ما از وضع ولایات اطلاع نداریم خصوصا در یك قانونی که راجع بمستخدمین دولتی است و راجع بتمام مملکت است.

فهیم‌الملك — اینطوریکه بنده ملتفت شده ام این است‌که آقایان خیلی کم مطالعه می کنند و حرارت فوق العاده بروز می دهند - این چه ربطی دارد باهالی ولایات که می فرمایند عدم مرکزیت می آورد دولت یك مأموری می خواهد بفرستد بعربستان ما می گوئیم چون ازاین‌درجاتی که در اینجا نوشته شده است معلوم نیست که چه‌رتبه را می خواهند باو بدهند ازاین جهت‌نمی توانیم قانونی برای آن ها بنویسیم می فرمائید که چون در این جا نوشته شده است‌که این اختصاص به مرکز دارد حقوق سایر ولایات تضییع شده است و این عدم مرکزیت است پس از این قرار ار فرمایش آقای وحیدالملك هم معلوم می شود که ایشان هم مرکزیت را قائل نیستند برای اینکه فرمودند هروزارت خانه باید قانون علیحده داشته باشد یامثلا اگر ما یك روزدرین جا قانون‌وزارت معارف را مطرح مذاکره قرار بدهیم بایدبگویند که این عدم مرکزیت است برای اینکه این‌وزارت خانه یك قانون مخصوص دارد عدم مرکزیت‌اینها نیست هم چنین در این قانون چون دیدیم که‌تطبیق و اجرای این قانون نسبت بسایر ولایات ممکن نیست گفتیم که عجالتا فقط در مرکزاجرا بشوداین چه ربطی بمرکزیت وعدم مرکزیت دارد این جا برای مستخدمین ادارات دو چیز نوشته شده است یکی درجات خدمت آنها ویکی هم مقدار حقوق آنها و درجائی هم برای ترفیع رتبه ومجازات آن ها معین شده است و هر کدام یك شرح مفصلی تشریح لازم دارد که برای هر کدام یك نظامنامه باید نوشته شود و تمام اینهائی راکه می فرمایند شاید کاملا در کمیسیون مذاکره شده است از عربستان وغیر عربستان وهیچ ممکن نبوده است که بغیرازاین چیز دیگری نوشته شود حضرت عالی اشتباه فرمودید که تصور فرمودید که وضع حالیه ولایات را اطلاع نداریم بنده درهمین حالیه عرض دارم عرض می کنم که این حال حالیه را نمی توان مأخذ قرار داد ویك قانونی برای آن نوشت‌بلکه باید فهمید کار آنها چیست و از روی کار آن ها قانونی نوشت والا حال حالیه وکار حالیه آن هادا بنده خیلی خوب می دانم وشاید بهتر از سرکار اطلاع داشته باشم بلکه‌کلیه مقصود آن اشخاصی که این قانون را نوشته اند وپیشنهاد کرده اند این بوده است که یك ترتیب معین و منظمی برای دادن ترفیع رتبه و اضافه مواجب ها داده باشند بنده‌در وزارت خانه ها اطلاع دارم که" به شخصی در یك سال شش مرتبه اضافه مواجب‌باوداده شده‌است آخر اضافه مواجب در ادارات دولتی حدودی دارد آخر فلان‌شخص که‌ماهی پانزده‌تومان می گرفته‌است ودریك سال بتدریج شده‌است سی‌تومان بایددید که

بچه جهت باو داده شده است اگر استحقاق داشته که ازاول چرا باونداده‌اند واگر استحقاق ولیاقت نداشته است که‌چرا اضافه کرده‌اندلابداین اندازه ترفیع رتبه‌در یك‌سال زیادی است‌وباید یك ترتیبی درباره آنها داده‌شود مقصود بنده این چیزها است یك شخصی فرضاً پارسال‌ثبات بوده است‌امسال‌شده است مدیر این باید معلوم شود که این شخص از روی چه‌لیاقتی دارای این‌رتبه شده است اینها یك چیزی است که ربطی بمرکزیت وعدم مرکزیت ندارو تااینکه دراین جامذاکره بفرمایند.

رئیس — گویا مذاکرات کافی باشد [گفتند کافی است] رأی می‌گیریم در این که داخل شورمواد شویم.

هشترودی — اجازه بفرمائید توضیحی دارم.

رئیس - توضیح‌درچه میخواهید بفرمائید

هشترودی — درهمین ماده است یعنی در نطق بنده‌سوء تفاهمی شده است میخواهم توضیح بدهم - بنده اشکالی که کردم دراین ثانیاً بود که عرض کردم خودشان اقرار کرده اند که این قانون کامل نیست وچنین خیال کردند که‌من نسبت عدم مرکزیت بمملکت داده‌ام این‌ثانیاً خودش می گوید که‌این قانون نیست.

رئیس -عرض می کنم که این‌توضیح نیست چون‌بقدر بیست‌نفر بغیراز حضرتعالی اجازه خواسته اند و مذاکرات را هم مجلس کافی می داند حالا حضرتعالی اگر درفرمایشی که فرمودید سوءتفاهم شده‌است میتوانید توضیح بدهید.

هشترودی - همین توضیح است‌پس‌توضیح چه‌چیز است.

رئیس - شما فرمایش خودتانرا توضیح بدهید نه ماده را.

هشترودی - بنده عرض می کنم‌که از عرایضی که‌بنده کردم‌همچه‌فهمیدند که گفتم‌هر وزارت خانه بایدیك قانون داشته باشد من‌این طور نگفتم عرض کردم‌که این قانونی بود که وزیرفوائدعامه برای وزارت خانه خودش‌پیشنهاد کرد شما خوب‌بود همان را راپورت می‌دادید والا این چیزی راکه راپورت داده‌اند بنده قانون نمی‌دانم ومن وظیفه‌ام این‌است که درقانون صحبت بکنم و ابداً داخل در مذاکره این نخواهم شد.

فهیم‌الملك - این‌راهم‌عرض‌بکنم که اگر این قانون‌تمام را ملاحظه بفرمائید تصدیق خواهند فرمود که قانون هست بجهة اینکه نوشته‌است پس از چند جلسه مذاکره و شورلازم در لوایح مزبور و توضیحات اخیر وزارت خانها عقیده کمیسیون بر این شد که اولااین قانون عجالتاً مخصوص ادارات مرکزی‌وزارت‌خانه‌هاباشدوتطبیق آن نسبت‌بمامورین ایالات و ولایات بتدریج پس ازشوردرهیئت‌وزراء وبتصویب شورای‌دولتی‌وامضاء همایونی‌بعمل‌میآید یعنی عجالتاً قانونیکه شامل تمام نکات نسبت‌بتمام نقاط مملکت باشد نمیشود نوشت چنانچه بعدنوشته شده‌است- ثانیاً چون ادارات وزارت‌خانها امروزه درکار تشکیل وتکمیل می‌باشند نمی توان قانون ثابت دائمی‌که شامل تمام‌نکات ودقائق لازمه‌انتظام ادارات باشد وضع بشود لکن برای اینکه این تاسیسات‌وتشکیلات‌واصلاحات ازروی ترتیب‌صحیحی بعمل می‌آید ونیز محض اینکه میزان ثابت معینی برای مقرری هر خدمت در دست باشد تا بتوان زودتر به تهیه بودجه موفق گردید اصول شرایط استخدام را درضمن‌چند ماده‌ذیل پیشنهاد می‌نمایند یعنی این‌مواد امروز کافی میدانم که بنویسیم‌وبرای سایر ولایات چون ترتیب آنهادرست نیست‌عجالتاً نمی توانیم قانونی بنویسم.

رئیس - رأی میگیریم‌در اینکه داخل‌شور مواد بشویم آقایانی که‌شوردرکلیات‌راکافی‌میدانند وتصویب می کنند که داخل شور درمواد بشویم قیام نمایند.

(اغلب قیام نمودند) - باکثریت (٤١) رأی تصویب شد - ده دقیقه تنفس میشود و بعد از آن شروع می‌کنیم بشور و مذاکره در مواد بعد از تنفس مجدداً یك ساعت قبل از غروب جلسه افتتاح وسه ربع قبل ازغروب‌رسماً تشکیل‌شد (آقای‌رئیس‌الوزرا ووزیر امورخارجه دراین‌وقت آمدند.)

رئیس - ماده اولی قرائت میشود.

(شروع بشوراول قانون استخدام وماده‌اولی بعبارت ذیل‌قرائت‌شده.)

(قانون استخدام.)

ماده اول - کسانیکه داخل خدمت یکی از وزارتخانه ها میشوند باید شرایط مقرره نظامنامه داخلی آن وزارتخانه را دارا بوده و بعلاوه چهار شرط ذیل نسبت بایشان رعایت گردد.

(۱)سن سی لااقل برای درجات ازیك تاپنج مذکوردرماده (۸) وسن (۲۰) لااقل برای‌درجات شش و هفت و سن بیست لااقل برای سایر مراتب (۲) عدم معروفیت بفساد اخلاق (۳) عدم‌محکومیت بقتل وسرقت (٤) معلومیت تابعیت.

آقاشیخ‌علی‌شیرازی - این مراتبی که درماده اول نوشته شده است مثلا در محاکم عدلیه اکثر شامل محاکم تمیز وغیره میشود در کمیسیون عدلیه باحضوروزیر ترتیبات‌دیگرداده شده که‌بایداز اینها استثناء‌بشودچون بعضی ترتیبات‌دیگری‌درسنشان داده شده‌دراین‌قانون‌موقتی‌واگر چنانچه شامل نمیشود عبارتش بایدقدری واضح‌تر بشود چون وزارتخانه بعید نیست که شامل‌محاکم مرکز شود مطلب‌دیگر اینکه فساد اخلاق محمل‌است وشرح لازم داردبنده یك پیشنهادی کرده‌ام که اینطور نوشته شوددرشرط دویم که معروف بفساد عقیده ولاابالی دردین خود نباشد والا فساد اخلاق‌محمل میشود و دیگر اینکه مثلا نایب رئیس دائره ومنشی اول دائره را نوشته است سن بیست سال باشد و این سن بیست سال‌را ابداً نمی‌پسندم.

فهیم‌الملك - قسمت اول فرمایشات شما که فرمودید آنجا گفتم وزارتخانها آنها را شامل نمی شود زیراکه آنها مستثنی هستند بموجب همان قانونی که فرمودید نوشته‌شده‌است‌در کمیسیون‌عدلیه وتکالیف هیئت قوه قضائیه بکلی مجزاست ازخدمت وزارت خانه.

آقاشیخ‌ابراهیم -اولا کویامقصودمأمورین کشوری که ملکی‌میگویند پس نظامی ولشگری و نظمیه وقضات‌را شامل نیست که خیلی بعید است‌این مطلب درآن طرف ماده ذیل که خواهد آمد نمی نویسند‌درچهارسال ترفیع‌رتبه میشود درآنجافاصله میان مقامات را پنجسال به پنجسال قرار داده‌انداز بیست ساله تا بیست وپنج ساله وازبیست وپنج‌ساله الی سی ساله پس هر گاه‌چهارسال خدمت کرد بیست ساله شد بیست وچهار ساله آنوقت ترفیع‌رتبه حاصل نخواهد کرد وحال آنکه چهار سال خدمت کرده‌است‌این را باید تطبیق بدهند که ممکن‌باشد ترفیع رتبه حاصل نشود ومعذا فاصله مابین هم پنجسال پنجسال‌باشد این موافقت‌ندارد یکی‌هم عدم محکومیت بقتل وسرقت این‌کافی نیست درجنایات و تقصیرات مثلا هرگاه‌کاغذسازاست وجنایتهای‌دیگر می‌کندکافی نخواهد بود پس باید نوشته شود عدم ارتکاب بجنایات یابجنحه مثل قتل وسرقت و سایر جنایات.

فهیم‌الملك - راجع بآن ترفیع رتبه‌که فرمودید در هریك ازاین سن ها چند درجه است مثلا برای سن سی وچهار درجه‌است درجه یازده و ده و نه وهشت پس درهریك ازاین درجه ها ممکن است ترفیع‌درجه حاصل بکند وهم‌چنین شش وهفت دارای دو درجه‌است که هر کدام چهار سال در دو درجه هشت سال میشود.

مشیرحضور - بنده تصور میکنم که عرض شرط چهارم‌که نوشته شده است [معلومیت تابعیت] اگر نوشته‌شودتابعیت‌ایران بهتر وواضح ترخواهد بود بجهت اینکه مستخدمینی که از خارجه برای استخدام ادارات جلب میشوند آنها باید باکنترات و تصویب مجلس باشند وبنده در این خصوص یك پیشنهادی‌هم کرده‌ام.

فهیم‌الملك - مقصود کمیسیون از این‌لفظ معلومیت تابعیت یك نکته بوده‌است وآن این‌بوده است که‌کسی که داخل خدمت دولت میشود دولت بداند اوتابع کجااست ومعلوم‌الحال باشند نه اینکه داخل در خدمت دولتی نشوند ویك مدتی‌هم باشند بعنوان اینکه تبعه ایران‌هستند بعدکه یك‌تقصیری می کنند یاخیانتی وارد میآورند تبعه خارجه بشوند حالا کلیتاً برای استخدام اتباع خارجه قراری می خواهند بدهند که‌آنها را قبول‌می کنند یا نمی کنند اگر قبول می کنند باید بچه شرایط باشد آن چیز دیگری‌است ویك ترتیب دیگری دارد تا اکثریت مجلس چه‌قسم‌رای بدهد ولی مقصود از اینکه‌اینجا نوشته‌شده‌است‌این‌است که معلوم‌باشدکه‌تبعهٔ کجااست اگر تبعه خارجه‌است که مطابق آن قراریکه‌برای کلیه تبعه خارجه داده میشود او را بپذیرید و اگر تبعه ایران است که مطابق اینقانون با او رفتار کنید.

دکتر علیخان - بنده‌اینجا درفقره اول‌ودویم این ماده مخالفت دارم اولا اینکه در خصوص سن برای وزارت خانها بنظر خیلی فرق می کند زیرا

همان نظری را که دراجزاء وزارت جنك باید داشت آن نظر را برای اجزاء پست وتلگراف نمایدداشت وبنظر بنده این مطلب را باید راجع کرد بنظامنامه داخلی هر وزارت خانه و در آنها باید معین کرد که موافق مقتضیات آنوزارتخانه معین شود وثانیاً عدم معروفیت بفساد اخلاق را باید نوشت عدم اثبات بفساد اخلاق زیرا معروفیت بفساد اخلاق یك چیزی است که از روی آن نمی شود معین کرد که کی فاسدالاخلاق است ممکن است از شخصی بسیکویند وحال آنکه اردارای فساد اخلاق نباشد و بهمین ترتیب را زیاد می‌دانم و گمان می کنم که لازم باشد بنویسند که با اثبات بفساداخلاق نبایددا خل ادارات بشود ودیگر اینکه در قانون اساسی معارف که غالب موادش رای داده شد د لرشده بود که وزارت معارف بعد از این در دیپلم ها و تصدیق نامه ها تصدیق خواهد داد که این ادم می تواند داخل در ادارات دولتی بشود و ان تصدیق نامه محل اطمینان خواهد بود و گمان میکنم که در این قانون استخدام هم لازم است اشاره بان بشود که اشخاصی که داخل در ادارات دولتی می‌شوند باید دارای آن تصدیقنامه که دروزارت معارف برای این کار معین کرده است یا خود وزارتخانه مطابق نظامنامه اش معین کرده است باشد.

معاون وزارت معارف — این سنتی که اینجا معین شده است برای اجزاء این را باید ملاحظه بفرمائید که این ترتیبی که اینجا نوشته شده است هیچ ربطی باشخاص مخصوص ادارات ندارد یعنی عبارت از (کادر) ادارات خواهند بود یعنی اشخاصی که باید همیشه در ادارات باشند از برای اینکه این امورات اداره را مرتب بکنند و هیچ لازم نیست که اختلافی در شرایط جزو آن باشد آنچیزی که فرق میکند درادارات آن اجزاء متخصص وزارتخانه است و البته برای اداره خودش می نویسد و آن برای اجزاء متخصص است البته دروزارت جنك آن قسمتی که راجع بصاحب منصب یا ترفیع رتبه صاحب منصب و آنچه راجع بصاحب منصبها است شرایطی نوشته میشود همچنین در وزارت عدلیه شروطی که از برای ریاست محکمه یا رسیدن بدرجه قضاوتست البته مختلف است یا وزارتخانه دیگر البته شرایط مختلفه دیگر دارند آنها موافق نظامنامه داخلی خودشان البته یك شرایطی دارند و این قانونی که اینجا نوشته می‌شود این برای اجزائی است که در همه وزارتخانه‌ها مساوی هستند وهیچ مداخله بقسمت علمی وزارت خانه ندارد و این فقط نسبت به قسمت اداری است وشرایطی که برای یك نوع از آنها قرار داده میشود البته برای همه خواهد بود.

رئیس — مذاکرات کافی نیست؟ (گفتند کافی است) نه فقره پیشنهاد شده است خوانده می شود.

اول (پیشنهاد آقای آقاشیخ ابراهیم بعبارت ذیل خوانده شد).

پیشنهاد میکنم که درسیم نوشته شود — عدم محکومیت بجنحه وجنایت مثل قتل وسرقت وغیره شرط پنجم ورشکسته بتقصیر نبودن.

رئیس — آقایانی که با این اصلاحی که آقای شیخ ابراهیم پیشنهاد کرده اند موافقند قیام نمایند. (باکثریت قبول شد).

دوم — آقای ارباب کیخسرو نیز اصلاحی قریب بمضمون اصلاح آقا شیخ ابراهیم کرده بودند درحین قرائت نطق ذیل را ایراد کردند واصلاح خودشان را مسترد داشتند.

ارباب کیخسرو — آن اصلاح بنده هم مقصودم همان بود در صورتی که آن قبول شد خواندن این لازم نیست.

سیم - اصلاح آقاشیخ علی شیرازی بمضمون ذیل خوانده شد.

بنده پیشنهاد میکنم که درماده اول برای شرط دوم اینطور نوشته شود - معروف بفساد عقیده ولاابالی دردین خود نباشد.

رئیس — آقایانی که با این اصلاح موافقند قیام نمایند. (باکثریت رد شد)

چهارم - پیشنهاد آقای بهجت بمبارت ذیل قرائت شد.

بنده پیشنهاد میکنم که ماده اول این طور اصلاح شود.

ماده اول کسانیکه داخل خدمت یکی از وزارتخانها وادارات جزو آن میشوند الی آخر.

بهجت — بنده می‌دانم خدمت بوزارت خانه شامل ادارات هم می‌شود این بدیهی است لکن چون یك مقدمه برای این قانون نوشته شده بود که شاید از روی آن مقدمه گمان کنند که این فقط برای وزارتخانها است باین واسطه بنده تقاضا کردم که لفظ ادارات جزو هم اضافه شود که یك مزید توضیحی شده باشد

فهیم الملك — در اینجا یك پیشنهادی هم گویا ازطرف آقای مشترودی بود آنهم نظیر اینست خوانده میشود.

(بمضمون ذیل خوانده شد.)

پنجم - درماده اول بنده چنین پیشنهاد می کنم کسانیکه داخل خدمت یکی از ادارات کشوری میشوند تا آخر ماده.

مشترودی — این وزارتخانه که درسطر دویم است وادارات بنویسند.

فهیم الملك — پس این دو اصلاح را بفرستید بکمیسیون.

رئیس — قبول دارید؟

فهیم الملك — بله قبول دارم.

ششم - اصلاح آقای حاج شیخ الرئیس بمبارت ذیل خوانده شد.

بنده پیشنهاد میکنم در ماده دو نوشته شود. معروف به فساد اخلاق و متجاهر به فسوق و فجور نباشد.

حاج شیخ الرئیس — بنده مقصودم همان فساد اخلاق است که نوشته اند زیرا که مرجعش بآن اضافه است که بنده ضمیمه کرده‌ام زیرا تمام نواهی و مناهی شرعیه راجع است بهمان فساد اخلاق وبرای فساد اخلاق است که این کلمه را اضافه کردم و لفظ فساد کلمهٔ است عام و اگر آن ضمیمه بشود بنظر من برای تهذیب اخلاق و حفظ عادات مستخدمین بهتر باشد.

(مجدداً قرائت شد).

رئیس — آقایانی که این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام نمایند - باکثریت قبول شد.

هفتم - پیشنهاد آقای مشیر حضور بعبارت ذیل قرائت شد.

بنده پیشنهاد میکنم که درماده اول قانون استخدام عوض شرط چهارم چنین نوشته شود — معلومیت تابعیت ایران.

تنبیه - اتباع خارجه باکنترات موافق قوانین مقرره قبول می شوند.

مشیر حضور — بنده گمان میکنم که اگر دراین قانون توضیح بشود این مسئله بهتر است برای اینکه مفاسد عدم رعایت این شرط همهٔ آقایان دیده اند.

رئیس — رای می گیریم به این اصلاح آقایانیکه اصلاح را قابل توجه می‌دانند قیام نمایند باکثریت قبول شد.

هشتم - اصلاح آقای لسان الحکماء بعبارت ذیل خوانده شد.

این بنده در ماده اول قانون استخدام اصلاح ذیل را پیشنهاد می‌نماید که بعدازشرط چهارم نوشته شود شرط پنجم کسانی که ازتاریخ این قانون داخل خدمت یکی از وزارتخانه ها می‌شوند باید لااقل تصدیقنامه مدرسه ابتدائی را دارا باشد.

لسان الحکماء - بنده این اصلاح راخیلی لازم می‌دانم و باینجهة تقدیم وعرض کردم که اول چیزیکه اسباب سعادت وترقی ملت ودولت است آن امتیاز فضلی است وجای آن کجا است؟ ووقت آن کی است جای آن اینجاست و وقت آن حالا است چنانچه گمان می کنم که همین اصلاح را از فرانسه لوئی چهاردهم کرد وعلت ترقی فرانسه همین بود واول خدمتش که ازبرای اصلاح ادارات وترقی معارف بکنیم بعقیده بنده این است وبرای استخدام ادارات دولتی دو قانون است یکی قانون خاص است یکی قانون عام قانون عام همین است که بسیارخوب نوشته شده است وچنانچه بعضی اعتراض کردند واظهار کردند وزارت خارجه یاغیرذلك آن مربوط بقانون خاص است چنانچه درخارجه هست وآن قانون مشترك عام عبارت ازاینست چنانچه درقانون مشترك فرانسه دارد که کسی تادارای دیپلم نباشد دراستخدام ادارات قبول نمی‌شود اینکه گذشت آنوقت قانون خاص دارد البته که هرکس که این مرتبه ربطی کرد آنوقت باید دارای تصدیق نامه آن علومی که مربوط باداره خاص است داشته باشد مثلا یك کسی که واردوزارت عدلیه یاوزارت مالیه می‌شود آن علومی که مربوط بآن اداره ووزارتخانه است باید تصدیق نامه ودیپلم آنرا داشته باشد باینجهة اگرتوجه بفرمائید عرض میکنم که این اول خدمتی است که برای اصلاح ادارات ومعارف گذاشته ایم واولین قدمی است که رو بترقی معارف رفته ایم.

فهیم الملك - نظر آقای لسان الحکماء خیلی صحیح وعالی است اما یك محظوری درپیش

دارد وآن این است که ایشان نظر فضلی وعلمی را دارند ولی ما اینجا هنوز درجات وترتیباتی برای تحصیلات ابتدائیمان نیست و خیلی کم است شاید وزارتخانه ها اگر کسی را می خواهند در خدمت قبول بکنند یك شرایطی بیش از آنچه در این جا نوشته است شرط قرار بدهند درصورتی که اگر این جا ما اینرا شرط قرار بدهیم در حقیقت یك اندازه جلوگیری ازسخت گیری وزرا دربذیرفتن مستخدمین می شود این جزئیات راجع است بنظامنامه داخلی وزارتخانه که هرچه راکه صلاح می دانند اعم ازاین که تحصیلات ابتدائی باشد یابیکقدری بالاتر یاهر درجه که می‌خواهند ابتدائی خیلی خوب است اگرما می‌دانستیم که برای مدرسه ابتدائی چه پروگرامی دردست هست و آن اشخاصی که ازآنجا بیرون می آیند چه علمی دردست دارند ماهم آنرا قرار می دادیم که شاید ازبرای وزراء مخطوری پیش نیاید

رئیس — رای می گیریم باین اصلاح آقای لسان الحکماء آقایانیکه موافقند و قابل توجه می دانند قیام نمایند [ردشد]

ماده دویم — دخول رسمی در خدمت دولت آنستکه شغل معینی یامقرری معین که مستلزم آن شغل است یکی رجوع شود لهذا اشخاصی که موقتاً برای خدمات فوق العاده اداره احضار شده و شهریه می گیرند جزو مستخدمین رسمی به حساب نمی آیند.

دکتر علی خان — بنده یك اندازه مخالفت دارم با آخر ماده که نوشته شد اشخاصی که موقتاً خدمت می کنند جزو مستخدمین رسمی بحساب نمی آیند که آنوقت مستلزم این میشود که این شرایطی که برای مستخدمین نوشته شده است ممکن است که آن شرایط برای آنها لازم نباشد و بنده لازم می‌دانم که باید یکطوری نوشته شود که آنها با این که داخل خدمت رسمی دولت نیستند باوجود این باید دارای شرایط ماده اول باشند

فهیم الملك — ماده اول را ملاحظه فرمودید که قیدی درمستخدمین رسمی و غیر رسمی نشده بعداینشرط راجع است بترفیع رتبه وحقوق و غیره که مقصود مستخدمین رسمی است ومستخدمین رسمی البته منشی هستند.

حاج شیخ اسدالله — اولا اینفرمایشی که آقای دکتر علی خان فرمودند خیلی صحیح است چه موقتا باشد چه دائمی باشد فرق نمی کند کسی که مشغول خدمت شد باید دارای اینشرایط باشد باید اخلاقش فاسد نباشد بهمین ترتیبی که در این نوشته اند چه رسمی وچه غیررسمی ویکی دیگر که این جا می نویسد که بایددارای شغل معینی یامقرری معین باشد این را بنده می‌خواهم عرض بکنم که بسا هست در بعضی اداراتمان چنانچه الان در کمیسیون عدلیه هم مذاکره هست که پیشخدمتی شاید پیدا بشود افتخاری که نخواهد خدمت بکند بدون مواجب شاید که در اداره معارف حاضر شوند ودراداره دیگرهم پذیرفته شود ولی آنها یك حقوق معین و مقرری دولتی مسلمی ندارند که این شرایط درباره آنها ملحوظ شود ازاینجهة بنده با این کلمهٔ مقرری مخالفم واین مقرری رابنده در اینجا زاید میدانم مشیر حضور درماده دویم میتویسد دخول رسمی درخدمت دولت آن است که شغل معین یامقرری معین داشته باشد بنده تصور میکنم که بعضی شاگردان که در مدارس تحصیل میکنند و بعد از فارغ شدن میخواهند داخل خدمت شوند اینها باید یکسال یاششماه بدون وظیفه معین خدمت نمایند آیا آقای مخبر اینگونه اشخاص رادرجه و مستخدمین دولتی محسوب میدارند یا خیر توضیح بفرمایند.

فهیم الملك — بنده گمان می کنم که پیشنهاد آقای دکتر علیخان بستن دست و پای وزیر است و اتفاقاً یك نفر هم باشد درجائی که آلمانی بداند آنوقت نمی توانیم مجبور کنیم وزیر راکه یك ماه خودش را معطل بکند مثل یك مستخدم دائم رسمی دولت واین زیاد است.

رئیس — رای می گیریم باصلاح آقای دکتر علی خان آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (اکثر قیام نکردند) ردشد.

ماده سوم - وزیر می‌تواند مستخدمینی را که بطور شایسته از عهده انجام خدمات مرجوعه بر می‌آیند و دارای شرایط مقرره درنظامنامه اساسی آنوزارتخانه هستند در هر چهار سال یك درجه ترفیع رتبه بدهند ترفیع رتبه زودتر از چهار سال ممکن نیست مگر درصورت احتیاج وزارت خانه یعنی خالی شدن محل که در این صورت بسته بطرز خدمات و استعداد اشخاص ونظر وزیر است.

معزالملك — بنده در این ماده دو اعتراض دارم که عرض می کنم یکی راجع بقسمت اول این ماده است که می‌نویسد [وزیر میتواند مستخدمینی را که لیاقت داشته باشند هر چهارسال بچهارسال یك درجه ترفیع رتبه بدهند] این منافی است با مفاد ماده (۸) بجهت اینکه درماده ۸ عزل و نصب و ترفیع چند درجه از درجات مستخدمین را بسته بفرمان شاه کرده است فقط یك درجات معینی را بنظر وزیر و تصویب هیئت وزراء کرده است پس اگر ما در آن ماده اینطور تصویب بکنیم که ترفیع رتبه مستخدمین منوط بفرمان خواهد بود در این ماده نمی‌توانیم رأی بدهیم علی الخصوص آن ترتیبی که آنجا نوشته شده است می گوید [وزیر میتواند] یعنی ممکن است وزیر در موقعی که مایل باشد ترفیع رتبه بدهد و درموقعی که بخواهد ترفیع رتبه ندهد و بنده این را صحیح نمی‌دانم بجهت اینکه در صورتیکه یك شخصی که تمام شرایطی که برای ترفیع رتبه چه در قانون و چه در نظامنامه آنوزارتخانه معین شده است دارا باشد حتماً چهار سال بچهار سال باید ترفیع رتبه باو داده شود و نباید بدون هیچ شرطی ترفیع رتبه را موکول بنظر وزیر کرد این یك قسمت از عرض بنده ایراد ثانوی بنده راجع بقسمت ثانوی این ماده است که می گوید (ترفیع رتبه زودتر از چهار سال ممکن نیست مگردر صورت احتیاج وزارتخانه یعنی خالی شدن محل که در این صورت بسته بطرز خدمات و استعداد اشخاص و نظر وزیر است) در اینقسمت ثانوی مخلوط شده است شغل با رتبه درصورتی که این لایحه قانونی راجع برتبه است نه شغل بنده هم مصداق خارجی این را نمی‌توانم تصور کنم که وزارتخانه محتاج برتبه باشد بله وزارت خانه ها ممکن است محتاج به اشخاص برای یك مشاغل معین باشد ولی علی ای حال نمی‌توان گفت محتاج یك رتبه هستیم چنانکه مثلا در نظام نمی‌شود گفت ما محتاج بفلان سرهنگ هستیم باید گفت بله مادر فلان فوج محتاج هستیم بیك نفر فرمانده کل یا فرمانده باتالیون یا یك فرمانده گروهان یا یك فرمانده یك فوج پس احتیاج بشغل میتوان پیدا شود لکن احتیاج برتبه متصور نیست پیدا شود و اگر برای شغلی که مستلزم رتبه معین است کسی را که دارای آن رتبه باشد نداشته باشد ممکن است چنانکه در یکی از موادذکر شده است کسی را با رتبه پست تری موقتاً کفیل آن شغل نمایند تا اینکه پس از رسیدن موعد ترفیع رتبه لازمه را باو بدهند.

ماده چهارم تأیید میکنند این عرض را که بنده میکنم باینجهت این ماده را بنده اینطور پیشنهاد کردم دیگر بسته برای مجلس است [ماده سوم ترفیع رتبه مستخدمین که بطور شایسته ازعهده انجام خدمات مرجوعه برمیآیند و دارای شرایط مقرره درنظامنامه اساسی آن وزارتخانه هستند چهار سال بچهارسال است (اینطور تصورمیکنم که کافی باشد وآن دوعیب مرتفع خواهد شد حالا اگر آقای مخبر تصدیق میکنند که میرود بکمیسیون.

فهیم‌الملک — اما قسمت اول که فرمودید عزل و نصب مستخدمین تا یکدرجه راجع بفرمان همایونی خواهد بود وبعد درجات پائین‌تر بموجب حکم وزیراست این مربوط بترفیع رتبه‌نیست‌امروز یك وزیری میخواهد بیك معاونی رتبه مدیری‌بدهد مثلاچهارسال بچهارسال یا بسته‌است بنظروزارتخانه که عرض میکنم یا بسته است بداشتن آن رتبه یا اگر درجائی‌است که حکم باید بنویسدحکم‌مینویسد فرمان یا حکم‌آن راجع بارتقاء رتبه نیست بلکه شرایط قانونی باید ازبرای داشتن‌آن‌رتبه عمل‌بیاید وزارت جنك یك کسی را میخواهد ترفیع رتبهٔ بدهد باید برای او فرمانی صادرکند پس فرمان مربوطه بشرایط آن‌رتبه نیست وامااینکه میفرمایند (وزیر میتواند) اینجا محظوراتی لابد پیش‌خواهد آمد برای وزراء اینجا وزرائی که این‌قوانین را بموقع‌اجرا میگذارند البته باید طرف اعتماد وحسن ظن‌مجلس‌باشند ومحال است بخیال اینکه یك کسی چهارسال متوالی دریك وزارتخانه خوب‌خدمت‌بکند وطرف توجه وزیرهم بشود ووزیر نخواهد ترفیع رتبه باو بدهد اما ممکن است یك کسی‌خیلی‌هم کار بکند ولی لایق آنکه یکرتبه خوب بالاتری باو بدهند نیست یك کسی مدیرخوبی است اما نمیتواند مدیر اداره محاسبات یك‌وزارتخانه باشد اگر مقام مدیری محاسبات‌آن اداره خالی شد ویك‌شخصی‌هم هست که متوقع این‌هست که مدیر اداره باشد بعض اینکه‌آنمقام خالی شده است نباید گفت که تو برو مدیر باش باید دید که قابلیت آنمرتبه را دارد یا ندارد واین‌نظررا کی باید داشته باشد البته وزیر آن اداره و مدیری که در مد نظرشان هست آنها باید نظر کنند ببینند که این‌شخص لایق این مرتبه هست یانه‌و دست وزیررا نباید بکلی بست که‌داخل درمذاکره وبحث اشخاصی بشوند ولی معین‌است که وقتی که وزیر اشخاصی راکه در زیردست خودش نگاهداشت وبا ترتیباتی که سابق معمول‌بوده است آنهارا خارج نکرد باید مطمئن بود که‌باین‌ترتیبات عمل خواهد شد وزیرازاین حدود خارج نمیشود و اما دراین قسمت آخری که فرمودید ما چهار سال بچهار سال معین کرده‌ایم باید ترفیع رتبه باشرایط باو داده شود یعنی هر کسی‌خدمت کرد ترفیع رتبه باو میدهند درادارات درآن‌طبقه ازمستخدمین که این قانون‌شامل آنها میشود یعنی‌مستخدمین کشوری اینها باهم توأمند ترفیع رتبه شان باشغلشان‌مختلف است رئیس دایره میشود مدیر اداره میشود یعنی ممکن نیست کسیکه کارمنشی گری میکند بعد بگویند که‌مدیر هستی یارئیس هستی.

این‌نمیشود پس‌هروقت که اینها میخواهند ترفیع رتبه بآنها داده شود باید وقتی بآنها داده شود که لیاقت آن کاررا داشته باشد اما یکشخصی که‌خدماتی کرده‌است کار نداردیك کار موقتی باومیدهند میگویند درانتظار باشدتاوقتی که یکمقام‌خالی شود ودرصورتی که درآنمقام رسماً شخص متصدی است باو نخواهند داد ولی ممکن‌است آن‌شخصی که متصدی‌یکمدیریت یاریاست کلی در اداره هست فوت کند و جارا خالی بگذارد باید وزیر ازدرجات پائین‌تر یکنفررابیاورد وبجای او بگذارد ودر صورتیکه در درجات پائین‌تر کسیکه خدمت کرده باشد ورسیده باشد باینمقام‌نیست دراینجا نمیشود گفت که وزیر اینمقام راخالی نگذارد دراینصورت میگوید دیگر درصورت احتیاج خانه یعنی خالی‌شدن محل که دراینصورت بسته بطرز خدمات و استعداد اشخاص ونظر زیر است و غیراز آنهم درمقام ترفیع رتبه گفتم که باید دارای شرایط مقرره درنظامنامه اساسی آن‌وزارتخانه باشدپس‌این شخص درآنموقع که باید ترفیع‌رتبه پیدا کند دارای شرایط اساسی آنوزارت خانه باید باشد و یك کسی راهم که لایق باشد روی اینکار بگذارد که خالی‌نماند ویك کسی اداره بکند که طرز خدمات ولیاقت اوراهم منظور بدارد نباید ملاحظه چهارسال گذشتن رابکند ودر میانهٔ آنهائی که کمتر ازچهارسال خدمت کرده‌اند ولیاقت اینمقام را دارند یك کسی‌را انتخاب کندوبآن مقام‌بگذارد.

رئیس — مذاکرات گویاکافی است- سه‌فقره اصلاح پیشنهاد شده است خوانده میشود.

(اصلاح آقای معززالملك مجدداً بمضمون ذیل خوانده شد) ماده سیم — ترفیع رتبه مستخدمین که شایسته از عهدهٔ انجام خدمات مرجوعه برمیآیند و دارای شرایط مقرره در نظام‌نامه اساسی آن وزارت خانه هستند نیست یك کسی مدیرخوبی است اما نمیتواند مدیر اداره محاسبات یك‌وزارتخانه باشد اگر مقام مدیری محاسبات‌آن اداره خالی شد ویك‌شخصی‌هم هست که متوقع این‌هست که مدیر اداره باشد بعض اینکه‌آنمقام خالی شده است نباید گفت که تو برو مدیر باش باید دید که قابلیت آنمرتبه را دارد یا ندارد واین‌نظررا کی باید داشته باشد البته وزیر آن اداره و مدیری که در مد نظرشان هست آنها باید نظر کنند ببینند که این‌شخص لایق این مرتبه هست یانه‌و دست وزیررا نباید بکلی بست که‌داخل درمذاکره وبحث اشخاصی بشوند ولی معین‌است که وقتی که وزیر اشخاصی راکه در زیردست خودش نگاهداشت وبا ترتیباتی که سابق معمول‌بوده است آنهارا خارج نکرد باید مطمئن بود که‌باین‌ترتیبات عمل خواهد شد وزیرازاین حدود خارج نمیشود و اما دراین قسمت آخری که فرمودید ما چهار سال بچهار سال معین کرده‌ایم باید ترفیع رتبه باشرایط باو داده شود یعنی هر کسی‌خدمت کرد ترفیع رتبه باو میدهند درادارات درآن‌طبقه ازمستخدمین که این قانون‌شامل آنها میشود یعنی‌مستخدمین کشوری اینها باهم توأمند ترفیع رتبه شان باشغلشان‌مختلف است رئیس دایره میشود مدیر اداره میشود یعنی ممکن نیست کسیکه کارمنشی گری میکند بعد بگویند که‌مدیر هستی یارئیس هستی.

این‌نمیشود پس‌هروقت که اینها میخواهند ترفیع رتبه بآنها داده شود باید وقتی بآنها داده شود که لیاقت آن کاررا داشته باشد اما یکشخصی که‌خدماتی کرده‌است کار نداردیك کار موقتی باومیدهند میگویند درانتظار باشدتاوقتی که یکمقام‌خالی شود ودرصورتی که درآنمقام رسماً شخص متصدی است باو نخواهند داد ولی ممکن‌است آن‌شخصی که متصدی‌یکمدیریت یاریاست کلی در اداره هست فوت کند و جارا خالی بگذارد باید وزیر ازدرجات پائین‌تر یکنفررابیاورد

مستخدم مزبور از قدراقل مقرری مقامی که افتخاراً نایل‌شده است نباید کمتر باشد ومدت خدمت دررتبه افتخاری مثل اشتغال رسمی آنمقام منظور میشود

معززالملك — بنده پس‌از توضیحات آقای مخبر درماده گذشته‌عرضی نداشتم‌ولی‌در ضمن‌توضیحات ماده دویم بیانی فرمودند که با آن بیان اینماده لغو میشود فرمودند که‌تمام رتبه‌هائی که دراینقانون که‌نوشته شده است مستلزم یکشغلی است واگر اینطور است آنوقت اینماده لغو میشود بجهت اینکه اگر گفتیم که مدیر اداره وقتی‌مدیر اداره خواهدشد که شغل‌مدیری باو رجوع‌شود که مدیر اداره باید دارای یك اداره باشد آنوقت مدیر ادارهٔ افتخاری را بنده معنیش را نمیدانم پس باید گفت که این درجات کلیتاً رتبه است نه شغل وبااین رتبه ها می توان نایب سفارتخانه هم باشد اگر این را تصدیق میکنند این صحیح است والا لغو است آقای مخبر توضیح بدهند تاعرض کنم.

فهیم‌الملك — در همان موقع هم بنده عرض کردم این درجات و مقامهائی که در اینجا معین شده است اسم است ازبرای کار واگر رئیس شعبه را فرضا بگویند مدیر رتبهٔ مدیری را هم که داشته باشد یعنی کسی است که بتواند متصدی کار مدیری بشود یعنی یا اینست که رسما می‌رود برسر آنکار مدیری می نشیند وحقوق مدیری رامیگیرد ویا اینست که دیگر رسما اورا نمی توان مدیر نمود این ترتیبی بودکه سابقا اتفاق میافتاد که با اینکه هیچ مدیری لازم نداشتند چندین نفر راسر کار می آوردند یا این‌که افتخاراً باو می گویند شما مقام مدیریرا دارید این یك وعده است که به او می دهند که اگر درآتیه جای مدیر خالی شد شما آنمقام را دارا خواهید شد و الا ملاحظه می فرمائید اضافه مواجبی در این موقع باو داده‌نمی شرد فقط اسم مدیری باو داده می‌شود برای این که بعد برود مشغول کار بشود پس در این‌صورت تفاوتی باو داده نشده است که‌بگوئیم ازکار خارج است.

افتخار الواعظین — بنده درمأمورین لشگری این فرمایش آقای مخبر را قبول دارم به جهت اینکه می توان گفت بیك کسی که شما دارای مقام ترتیبی هستید ولی چوق هنوز مقام ترتیبی خالی نشده است عجالتا شما در همان مقام سرهنگی باشید تا مقام سرتیپی خالی شود هروقت مقام سرتیپی خالی‌شد آنجا واردشوید ولی برای مأمورین کشوری بهیچوجه این مصداق پیدا نخواهد کرد جهة این‌که رتبه عین شغل است شما مدیرید یعنی چه؟ یعنی می‌روید بآنجا واداره می کنید آنکاررا که بشما سپرده است یا این که اداره نمی‌کند اگر خودش مدیر است و تمام اعضاء در تحت اداره‌او هستند او مدیر رسمی‌است و رتبه رسمی نه‌رتبه افتخاری و اگر او در تحت اداره دیگری است دیگری او را اداره می کند نه آنکه اجزای او را اداره می کند بنده عرض می کنم چون در مأمورین کشوری رتبه عین شغل است هیچ عنوان افتخاری در آنجا ابداً نمی‌تواند

مصداق پیدا کند و این ماده را بنده زیادی‌می‌دانم

حاج‌عزالممالك — این‌جا برای این که ترفیع رتبه ۲قسمت شد افتخاری ورسمی این برای اینستکه مدت خدمت اوباو اجازه بدهدکه یك‌رتبه را تحصیل کند ولی جای او خالی نیست برای این که اویك رتبه دارا باشد باینجهة این‌مقام افتخاری را برای او معین کردند که اگر مقام رسمی نباشد این مقام افتخاری را باو می‌دهند ودر این صورت قدر اقل حقوق مقام رسمی را باو می‌دهند تاوقتی که دارای آن مقام رسمی بشود باین دلیل بودکه در این‌جابابد نوشته شود واگر این نباشدنمی‌شود بدلیل این‌که ٤سال بنده خدمت‌کرده ام ولی مقام خالی‌نیست بجهة این‌که‌دیگری را نمی‌توانند بردارند پس افتخاری اقلا لازم است.

معززالملك - بنده متأسفم خیلی که لقب وشغل و رتبه بهم مخلوط شده اند بطوری که تمیز داده نمی‌شود شغل یك چیز معینی است رتبه چیز معینی واینکه آقایان می فرمایندکه در نظام می‌شود یکی باشند ودرکشوری نمی‌شود بنظرمن اشتباه است درآلمان در اطریش.

رئیس - بنده عرض کردم‌که مخالف هستید یعنی‌مخالف بامادہ باشد شما که موافقید حالادارید اظهارات افتخار الواعظین را رد می کنید.

مخبرالملك - آن توضیحی که آقای مخبر دادند بنده با آن توضیح مخالف هستم اگر مقصود شان اینست که شغل و رتبه یکی است بنده مخالفم.

فهیم‌الملك - رتبه افتخاری مثل‌آن منصبی که داده می شود غیراز شغل است.

رئیس - آقای لواء الدوله پیشنهادی کرده اند که لفظ رتبه افتخاری ازماده چهارم حذف‌شود آقایانی‌که بااین پیشنهاد موافقند قیام نمایند. (باکثریت رد شد)

رئیس - چون بعضی سئوالات هم‌هست‌اگر مجلس موافق است تتمه این قانون بماند برای جلسهٔ دیگر (اظهارشد صحیح است) آقای ادیب‌التجار از آقای رئیس الوزراء سؤالی داشتید در باب مستخدمین ادارات بفرمائید.

ادیب التجار - یکی‌از مطالبی راکه‌منتظر ومتوقع بودیم ازهیئت وزراء خصوصاً آقای‌رئیس‌الوزراء توجهی است بمامورینی که از جانب دولت هستند چه درمرکز وچه درسایر ولایات‌مخصوص در ولایت واصلاح آنهاست‌کلیتاً مامورین موظفند ازجانب دولت‌که بروند باوامر دولت اطاعت‌بکنند (کالمیت بین یدی الغسال) باید مطیع اوامر دولت باشند بدون هیچ نظری فقط مطیع محض باشند نه اینکه‌درضمن‌مامورین‌کارهائی که ازوظیفه نوکری دولت خارج است از آنها بروز و ظهور کند از ولایات بنویسندچنانچه آقایان گمان میکنم مسبوق باشد وهم فکر بابنده باشد ومخصوصاً ازقزوین به بنده نوشته بودند ازبعضی مامورین‌که مصادرکار هستند تازه بعنوان نظرمسلك‌بامردم رفتار می کنند چه درادارہ بعضی عدلیه ها وچه‌درمالیه ها وچه در ادارات دیگر وچه دربعضی کارگذاریها دربعضی‌جا ها از ولایات و چندین مرتبه هم خاطر وزراء را مسبوق کرده‌ام این مطلب منافی است باآن وظیفه و کاری که دارند استدعا دارم توجهی در این خصوص بکنند که مامورین ازوظیفه خودشان‌خارج نشوند واین مردم بیچاره که از مسلك‌چندان‌خبری ندارند یعنی اینمسلك‌هائی که بعضی عنوان‌می کنند والامسلك مقدس است.

رئیس — بشما اخطارمی کنم که از دائره نظم خارج شدید.

رئیس‌الوزراء — بلی‌ازبدو تشکیل کابینه چیزی که در هیئت وزراء مذاکره شد همین مسئله مستخدمین بود که مستخدمین‌دولت باید واقعاًبهمان خدمت وادامردولت حاضر بشوندودخل بعضی‌پارتیها نشوند حالااگروزراءجزه پارتیها باشد عیب ندارد لکن مستخدمین اگر جزء پارتیها بشوند و چنین حرکت بکنند یا به بعضی اجتماعات داخل بشوندو داخل در هیئت مسلکی بشوند صحیح نیست بهمه وزارتخانه ها اطلاع دادیم ودرصدد هستیم که چه‌در طهران وچه در سایرولایات تصفیه این کاررابکنیم

رئیس — آقای سلیمان میرزا سئوالی از وزیر امور خارجه داشتید بفرمائید.

سلیمان‌میرزا — یکی ازخصوصیاتی‌که برای هر دولت‌مستقلی هست استقلال داخلی‌آن‌دولت است وباهیچ پروتکل وهیچ قانونی ومعاهده‌نمیشود یعنی هیچ دولتی کویاحق نداشته باشد که درداخله دولت دیگری کسی را دستگیر بکند یاتوقیف‌نماید واگرچه‌آنشخص هم‌جانی باشد باید باطلاع‌حکومت آنمحل این‌کاربشود یعنی‌بدست حکومت محلی گرفته شود ودستگیر کردن‌آن‌جانی بعمل بیاید ازقراری که مسموع شده چندی قبل یکنفر ازاتباع روس موسوم به (ماکوخانوف) قزاقهای روس گرفته ودستگیر کرده اند وقتی هم که خواسته اند او را دستگیر کنند اوبخانه یکی‌از اتباع ایران پناهنده شده درآن خانه ایرانی هم وارد شده اند و او را دستگیر کرده‌اند و چون بنده در وقوع این مطلب یقین ندارم از آقای وزیر امورخارجه سؤال میکنم که آیا این‌مطلب بهمین ترتیب صورت وقوع‌یافته یاخیروا گر بهمین ترتیب‌صورت وقوع یافته‌پروتستی واقدامی شده‌است یاخیر؟

وزیرامورخارجه - ازبابت (باکوخانوف) پیش‌از آنکه بوزارت خارجه اطلاع ازسفارت‌برسد ازاداره نظمیه رفتار سوءاورا بوزارت خارجه‌اظهار کردند که‌بعلاوه‌اینکه درخارجه مقصر است‌دراینجا هم‌بعضی رفتار ناشایسته میکند وزارت‌خارجه هم‌این سوء رفتار اورا بسفارت روس گوشزد کرد واین مسئله‌را بعد از اینکه از سفارت روس تحقیق شد حالات اومعلوم شدبواسطه جنایت بزرگی که‌از او سرزده درقفقاز به‌محکوم به‌بیست سال حبس‌شده‌است روزی که جنرال قونسولگری راابلاغ میکردند او رادیده‌اند علائم ونشان هائی‌که برای اوداده بودند مطابقه کرده بوده‌است ودر آنجا متعرض اونشدند بعد بکمیسری‌حسن‌آباد اطلاع داده‌اند وازآدمهای خودشان پاپلیسهای‌ایران اورا دستگیرنموده‌بسفارت برده‌اند واین رابنده‌که‌شنیدم نمیدانستم درباره‌اوچه اقدامی کرده‌اند فرستادم از نظمیه‌تحقیق کردم معلوم شد که بواسطه نظمیه خودمان او را جلب کرده‌اند نه‌اینکه خودشان مستقیماً دستگیر کرده باشند دراین‌صورت معین بود که جای‌هیچ اعتراض نیست بجهة اینکه بترتیب محلی رفتار کرده‌اند و ضمناً هم‌شاید مقتضی باشد که بنظر آقایان برسانم که‌مطابق عهدنامه که‌شاهزاده سلیمان میرزا اشاره فرمودند صحیح است حکومت داخلی البته با خود حکومت محلی است مطابق عهد نامه‌اما این‌نکته راهم باید دانست که‌آنچه محاکمه اتباع روس‌است وآنچه راجع‌بقیمابین آنهاست مستقیماً بخودسفارت روس راجع‌میشود ولی‌اگر کسی‌رابخواهند دستگیر کنند بایت بتوسط نظمیه آن‌محل‌بنمایند واین‌است که کرده‌اند.

سلیمان‌میرزا — بنده چون اینمطالب را بی‌اندازه مهم میدانم اساس و استقلال مملکت را بر روی این مسئله می دانم این است که بطور تحقیق خواستم بفهمم چون وزیر امور خارجه فرمودند شاید بنده درست ملتفت نشدم که یکدفعه خودشان احضار کردند وچون حاضرنشد بعداتفاق خودشان وپلیس ایران رفتند اورادستگیر کردند و ضمناً هم فرمودند که این‌حق‌را دارند کاگر کسی‌را خواستند وحاضرنشد آنوقت‌باطلاع‌دولت اورادستگیر کنند بنده اولا خواستم‌بدانم‌درگرفتاوی این‌شخص کاری ندارم هر کسی‌میخواهد باشد مقصود شخص او نیست آیادرگرفتاری این‌ولواینکه اول‌جانی دنیاهم باشد بحکومت‌و هیئت‌وزراء اطلاع داده‌اندو ازطرف حکومت امربگرفتاری اوشده وکمیسری‌بحکم‌دولت رفته اورا دستگیر کرده‌است یاآنکه قزاق روس از قونسولگری رفته اند بکمیسری اطلاع داده‌اند و کمیسری هم‌فرضاً دونفر پلیس همراه آنها کرده است ورفته اند اورا گرفته‌اند وبنظربنده خیلی مهم است وباید موشکافی شود بنظردقت اگر بتوسط مأمورین دولت آنمقصررا مستقیماً بدون اینکه احدی مداخله بکند خود اداره نظمیه بااستبداد گرفته وتسلیم نمود، یعنی بتوسط وزارت امور خارجه‌بدولت‌اطلاع‌داده‌اند واین اقدام‌شده‌بااینکه‌قونسولگری‌مستقیماً بکمیسری اطلاع داده است‌و بایلیس‌رفته‌اند‌اورادستگیر کرده‌اند اینمطلب رامیخواهم خوب ملتفت بشوم.

وزیرامورخارجه - عرض‌کنم اگربنا‌شود کدر امثال این‌جزئیات هیئت دولت یا کابینه وزراء طرف مذاکره باشد کار خیلی بزحمت میافتد همهٔ ادارات‌جزه بایدهمیشه تکلیف‌خودشانرا بدانندنظمیه یکی از ادارات رسمی است‌بطوریکه همه‌میدانند اگر بیك سفارتخانه یك دزدی وارد شود مبفرستند نزدوزرا برای گرفتاری آنمزد خیر البته خودشان مستقیما میفرستند به نظمیه‌نظمیه هم بوظیفه خودش رفتارمیکند‌ازبابت‌اینشخص‌هم‌که فرستاده اند احضار کرده اند یك غلام فرستاده اند که بیا باتو کاری داریم نه باقزاق وآنطورهای دیگر غلامی فرستاده اند وتمام اتباع خودشان را می توانند همینطور بخواهند وهیچ محل ایرادی‌نیست وقتیکه اواطاعت نکرد وحاضر نشدتمرد کرد این هم جائی است هم

متمرد آنوقت هم که باوراق فرمودند بنده عرض کردم غلام فرستاده اند بنظمیه و آنجا از نظمیه پلیس گرفته اند رفته اند اورا جلب کرده اند به قونسولخانه و اینرا می توانند بجهت این که آدم آنها با پلیس باید باشد درموقع جلب چونکه پلیس ما بدون اطلاع آنها و مأمورین آنها مطابق عهد نامه نمی تواند داخل خانه اتباع آنها بشود ناچار باید یك نفری ازآنها باشد که بتوانند داخل خانه آنها بشوند برای جلب کمیسری ومراکز پلیس هم مکلفند که برای گرفتاری اتباع خارجه همین که از طرف نماینده آن دولت اطلاع داده شد دیگر مکلف اطلاع دادن بمراکز عالیه نیست وحاجت به مراجعه ومذاکره ندارد بجهت اینکه باینواسطه بسا می شود که یکفوت وقت بشود و در اینگونه مواقع مسئولیت ها باداره پلیس وارد بیاید باین واسطه اداره پلیس در این موارد می تواند اقدام بکند همین قدرکه دانست او تبعه خارجه است دیگر محتاج باین نیست که مراجعه بهیئت وزراء نماید خودش باید بوظیفه خودش رفتار کند

رئیس — آقای ادیب‌التجار یك سئوال دیگری از وزیر امور خارجه داشتید راجع به سفارت اسلامبول برای جوابش بآقای وزیر حالا حاضر هستید یا اینکه بماند برای بعد .

وزیرخارجه — بلی برای جوابش حاضرم می توانم جواب عرض کنم .

ادیب‌التجار — اهمیت مأمورین دولت علیه در خارجه مخصوصاً در پای تخت عثمانی خیلی طرف توجه است بااین وصفهائی که خاطرمبارك وزیر مسبوق است از یك طرف مسئله مناقشه سرحدی آذربایجان و ازطرف دیگر مسئله تمتع و از طرف دیگر که از عراق عرب می نویسند عسکر می‌خواهند ازتبعهٔ ایران بگیرند بااین محاذیر ومحاذیر دیگری که بعضی تخطیات دیگر هم میشود بودن مأمور در آنجا و فرستادن سفارت کافی را خیلی لازم می‌دانم وروانه کردن سفیر کبیر اسلامبول یکی از عمده چیزهائی است که باید وزراء اقدام بکنند خصوص حضرت وزیر خارجه باآن اقدامات جدی که درحفظ اتباع دولت علیه دارند از قراری که می‌نویسند در بعضی نوشتجات بمجلس مقدس هم عرض کرده اند نبودن سفیر هم در آنجا خیلی اسباب زحمت شده است و در این مدت طولانی نمی‌دانم چه شدکه غفلت از فرستادن سفیر کافی شده است آقارفع این محظور شده تهیه سفیری فرموده‌اید ومی‌توانید بفرمائیدکه همین تاچند روز دیگرسفیر کبیر وارد باسلامبول می‌شوند یاخیر .

وزیرامورخارجه — یکی از مسائلی که در پروگرام وزراء بود وکمال اهمیت را داشت مسئله فرستادن نمایندگان ومأمورین دولت علیه بود بپایتختهای دول متحابه که از آنجمله مهمترین آنها اسلامبول و لندن است ودر این باب وزارت خارجه بطوری که می‌داند ببعضی مشکلاتی تصادف داشت که یکی از آنها تبدیل بعضی از مأمورین وتعیین جای آنها برای اشخاصی که در این موقع حقیقة بایستی مأمورین کافی که بتوانند خدمتی بکنند ودر خارج اسباب آبرومندی دولت وملت بشوندوجناب احتشام السلطنه که برای سفارت اسلامبول معین‌شده بودند تأخیرشان یکی بواسطه حرکتش و یکی بواسطه وجوهی که باید برای ایشان فرستاده شود ویکی هم‌بواسطه اینکه بالفعل دربرلن شارژدافری نداشتیم و مأمورش که در تهران است باید عوض او را فرستاد که محل بکلی خالی نماند این ملاحظات شده است و نامه احضار و نامه اعتبار هم با پست فرستاده شده است که بوصول نامه احضار و نامه اعتبار نامه احضار خودش را تقدیم امپراطوری بکند و عازم اسلامبول بشود وزارت خارجه باین کار کمال اهمیت را میدهد و نظر بمسائل مهمه که در اسلامبول داریم که چند نفرآنها را آقای ادیب‌التجار ذکر کردند و بعضی دیگررا ذکر نکردند خیلی لزوم دارد ومهم است زود فرستادن مامور وامیدوارم انشاالله بزودی خبر وصول ایشان بآنجا برسد همینقدر که نامه های ایشان رسید تبلیغ میکنند و حرکت میکنند جای ایشان هم ازآن مامورینی که در خاك خارجه هست معین شده که چندان تاخیری نشود درمامورنداشتن آنجا .

رئیس - دو فقره دیگر سئوال هست یکی از طرف محمد هاشم میرزا راجع بقتله مرحوم صنیع الدوله ویکی هم راجع بغرق شدگان بحر خزر بود از طرف آقای خیابانی که سئوال ایشان را فرستاده بودند گویا نفرستاده اند اگر حاضر هستید برای جواب امروز سئوال شود .

وزیرامورخارجه - بلی‌جواب محمدهاشم میرزا را میتوانم عرض کنم .

محمدهاشم‌میرزا - چندی قبل که در مجلس از وزیرامور خارجه سئوال شد راجع بقتله مرحوم صنیع الدوله وعده فرمودند استنطاق و تحقیقات که بجائی رسیدنتیجه را بفرمایند حالا سئوال میکنم که آیا بعد از هفتاد روز که ازاین مرتبه هم گذشت معلوم نشد که این شهید شهید پلتیك استقامت شد یا از حوادث اتفاقیه بود تا امروز چه اقدامی شده است میتواند امیدبخش باشد یا همینطور منتظربمانیم .

رئیس - خوب است حرفی که میزنند ونطقی که میفرمایند ملتفت باشند چه الفاظی را استعمال می کنند .

وزیر امور خارجه - بنده را اگرمرخص بفرمائید در باب پلتیك در این موضوع حرف بزنم امروز که روز پنج شنبه است تا امروز استنطاقات قتلهٔ مرحوم صنیع‌الدوله دروزارت خارجه تمام نشده بود امروز عصری تمام شد و نماینده سفارت روس برای صدور حکم مجازات او آمد و امروز حکم مجازات اوصادر شده‌است و صدوراین حکم بطوریکه سفیر روس به‌بنده اظهار کرده بودند واطمینان دادند مجازات نمایانی بقتله‌مرحوم صنیع‌الدوله خواهندداد وقتلهٔ‌مرحوم صنیع‌الدوله‌هم ارتکابشان مسلم است و پرده پوشی لازم ندارد لکن درمسئله پولتیکی آن‌میدانید چه محظوراتی درداخله خودمان هست که شاید موفق نشدند که بدانند بچه تحریك این اتفاق افتاده است که آنها راتحقیق بکنند حکم مجازات آنها عرض میکنم‌علناً بعمل خواهدآمد .

رئیس — آقای معززالملك درباب مستخدمین خارجه سئوالی داشتند حاضر هستید برای جواب

وزیر - بله سؤال بفرمائید

معززالملك - اهمیتی که‌مستخدمین خارجه دارند لازم بشرح و بیان بنده نیست علی‌الخصوص درمواد پروگرام دو کابینه بوده است و اکثریت بلکه اتفاق مجلس همه براین‌بوده است و همه‌ساعی بوده‌اند که مستخدمین خارجه زود تر جلب بشوند خواستم سؤال بکنم که‌وزارت خارجه آیا یکمژده میتوانندبما بدهند که‌این‌مستخدمین مادرچه‌حالندو کی وارد خواهندشد .

وزیرامورخارجه - آنکه‌مستخدمین بنگی دنیائی است قریب یکهفته است که‌تلگراف‌نمایندهٔ ایران ازواشنگتن رسیده که حرکت کرده اندو دور نیست که‌در ظرف بیست روز بطهران وارد شوند ومستخدمین که‌از پاریس و سوئدخواستیم قدری تاخیر شد بملاحظه غیبت ممتازالسلطنه از پاریس که‌مذاکرات رابیك نقطه رسانیده بودند و چندروزی غیبت کرده بودند و نتوانسته بودند که اینکار راانجام بدهند ازتهران هم سواد کنترات وبعضی شرایط کاررا خواسته بودند بر ایشان هم فرستاده شد وبعضی راپورتها هم‌داده بودنددرباب آن‌اشخاصی که‌انتخاب شده‌بودند که‌آنها هم‌عنقریب درکمیسیون خارجه مجلس خوانده شدو بعدازرفع آنمحظور یعنی برای آن کاریکه رفته بودند و تلگراف شد که‌مراجعت‌بکنند بعداز اینکه‌مراجعت کردند خبر حرکت آنها راهم بطهران بدهندهمین که‌جواب رسید بمجلس اطلاع داده‌میشود .

رئیس — عرض‌میکنم‌درجلسه گذشته‌خواهش کرده بودم کمیسیونها منعقد شود وهیئت رئیسه خودشانرا معین کنندوحال آنکه‌تمام معین‌نکرده‌اند وتاهیئت‌رئیسه آنهامعین‌نشود بنده‌نمیتوانم‌بعضی‌قوانین ومطالبی که‌از وزارتخانه‌ها میآورند بکمیسیون ها بفرستم خواهش میکنم که همین امشب اینکار را بکنندکه بیش از این معطل نشویم و چون قانون عتبة ات ازدستور امروز خارج‌شد مجدداً دستور ۳ جلسه بعدرا عرض‌میکنم دستور شنبه ۱۵ قانون‌ثبت اسناد راجع بموادی‌که بکمیسیون ارجاع شده شود اول درقانون‌استخدام سه‌شنبه ۱۸ قانون قبول‌ونکول بروات شوراول درقانون پستی پنجشنبه ۲۰ قرارداد کمپانی خالصجات .

معاون‌پست وتلگراف — بنده یك‌عرضی داشتم .

رئیس — کاغذی ازوزارت تجارت‌وپست و تلگراف رسیده قرائت می شود آنوقت اظهار بفرمائید ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ مجلس‌مقدس‌شورای ملی جناب محاسب‌الممالك که معاون رسمی وزارت پست‌وتلگراف وبمجلس هم باین سمت معرفی شده در اینموقع که تجارت هم باین وزارت خانه

منضم شده دانسته که مشارالیه را معرفی نماید که سمت معاونت وزارت تجارت و پست و تلگراف را داراهستند

معاون الدوله معاون وزارت پست - بنده عرضی که داشتم این بود مسئله کنترات مسیو مولیتر است که مدتی است آمده بمجلس و موادش گذشته است فقط یکماده که راجع بحقوق او است که ناقص بود و همین طور مانده است و اینرا میدانید که مستخدم اروپائی همینکه کنتراتش سرآمد نمیتواند بدون کنترات خدمت کند و نمیتواند مسئولیت داشته باشد بنده آمده ام تقاضا کنم که اینمسئله جزء دستور گذاشته شود که این کنترات بگذرد که اینمطلب ختم شود.

رئیس — اگر مخالفی نیست که جزء دستور گذاشته میشود (اظهار شد صحیح است.)

فهیم الملک — پریروز اینجا در ضمن سئوالاتی که آقای انتظام الحکماء از معاون وزارت جنگ نمود معاون وزارت جنگ جواب دادند این اسلحه که خریده شده است مذاکره او در کمیسیون قوانین مالیه شده است بنده گمان کردم شاید کمیسیون دیگری مقصودشان است بعد معلوم شد که مقصودشان همین کمیسیون قوانین مالیه بوده است اینستکه ناچار شدم که مذاکرات کمیسیون قوانین مالیه را بطور مختصر عرض کنم بطوریکه در راپورت کمیسیون ملاحظه فرمودید کمیسیون عقیده در باب خرید اسلحه نداده است قید کرده است که انتخاب نوع اسلحه و قیمت آن بسته است بتصویب و نظر کمیسیون نظام و کمیسیون بودجه که معین کند فقط همینقدر گفته شد که عجالتاً پانزده هزار تفنگ و پانزده ملیون فشنگ قیمتش را معین کنند و نوع او را انتخاب نمایند و مذاکره خرید این هفتهزار تفنگ در آنجا نبوده است و بنده حالا عرض نمیکنم که این تفنگها بداست یا اینکه لازم نبوده است بنده تفنگ نمیشناسم شاید خیلی خوب است و کار خوبی باشد لکن چون کمیسیون تصویب نکرده و در این کار شرکت نداشته است میخواستم که در تشکر هم شریک نباشد.

رئیس — یکمطلبی بنده داشتم و آن این است که بنا شد سه ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب جلسه ما منعقد بشود و برعکس چندروز است بنده می بینم که سه ساعت الاربع جلسه منعقد میشود و نیم ساعت هم تنفس میشود اغلب دو ساعت بیشتر کار نمیکنیم استدعا میکنم که بعد از این مراقبت شود که سه ساعت و نیم قبل از غروب وکلاء حاضر بشوند که لااقل مجلس سه ساعت بغروب مانده افتتاح شود که غروب ختم شود و دیگر همان طوری که چندروز قبل عرض کردم روز شنبه دو ساعت بظهر ما در هیئت رئیسه منتظر مخبرین کمیسیونها هستند که در باب دستور مجلس با آنها مذاکرات شود.

(مجلس سه ربع از شب گذشته ختم شد).

جلسه ۲۳۵

صورت مشروح روز شنبه ۱۵ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت و چهل دقیقه قبل از غروب بریاست آقای موتمن الملک افتتاح و سه ساعت و بیست دقیقه رسماً منعقد گردید.

صورت مجلس روز پنجشنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمودند.

[غائبین جلسه قبل]

حاج امام جمعه بدون اجازه - آقا میرزا ابراهیم خان - دکتر اسمعیل خان — آقا میرزا احمد با اجازه غائب - حاج مصدق الممالک — طباطبائی — معزالملک هریک نیم ساعت از وقت مقرر دیر حاضر شدند.

رئیس - آقای حاج وکیل الرعایا راجع بصورت مجلس ملاحظه داشتید؟

حاج وکیل الرعایا - آنچه بگوش بنده خورد راجع بجواب وزیر امور خارجه در باب دخول پلیس درخانه اتباع خارجه اینجا این جور شنیدم که پلیس نمی تواند داخل خانه اتباع روس بشود وحال آن که آنچه بنده درنظر دارم این است که وزیر امور خارجه فرمودند که پلیس بانداشتن یک نفر مأمور از طرف سفارت نمی تواند داخل خانه اتباع خارجه بشود.

رئیس - این جا هم این طور نوشته شده است

معاضد السلطنه - وزیر امور خارجه نگفت که حکم صادر شده است گفت که باید حالا حکم صادر شده باشد چونکه خودش اینجا نبود که حکم صادر شده باشد این جا اشتباه شده است.

رئیس - دستور امروز قانون ثبت اسناد شور دربقیه قانون استخدام — کنترات مسیو مولیتر ولی چون وزیر عدلیه ومخبر کمیسیون عدلیه حاضر نیستند اول شروع می کنیم بقانون استخدام (گفتند صحیح است) — درجلسه گذشته تا ماده چهارم خوانده شد ومذاکرات در آن بعمل آمد حالا ماده پنجم قرائت می شود.

[آقا میرزا ابراهیم ماده پنجم را بعبارت ذیل قرائت نمود].

ماده پنجم — کسانی که بعد ازچهارسال خدمت دریک مقام استعداد ارتقاء بمقام عالی تر ندارند وزیر مختار است که باین حد اقل و اکثر مقرری آن مقامی را که دارا هستند بآنان اضافه مقرری دهد.

افتخار الواعظین - درماده سیم گفتیم که هر کس چهارسال خدمت کرد باید یک درجه ترفیع رتبه باو داده شود ودراینجا می گویید که کسانی که بعد ازچهارسال خدمت دریک مقام استعداد ارتقاء بمقام عالی تر ندارند وزیر مختار است که باین حداقل واکثر مقرری مقامیرا که دارا هستند بآنان اضافه مقرری دهد.

این معلوم است که در آن مقامی که هست او برای آن مقام که مقرری معین گردیده است یک حد اقل و یک حد اکثر بنده عرض می کنم که شاید وزیر بهمچو مستخدمی در دو سال اول حد اقل ودر دو سال آخر حد اکثر مقرری آنمقامیرا که داراست باو بدهد یعنی از حد اقلی که برای مقام آن مستخدم معین شده است حقوق باو بدهد و هی اضافه کنند تا وقتی که رسید به آن حد اکثر حالا اینجا میگوید که درصورتیکه چهارسال تمام شد واستعداد ارتقاء بمقام عالیتر رانداشت ارتقاء مقام که باو داده نمیشود بازاگر گفتند بیشتر که حداقل و اکثر مقرری مقامیرا که استعداد ارتقاء بآن را ندارد درهمان مقامی که ممکن است باو داده شود بازیکچیزی بود این را بنده نمی فهمم خوب است آقای مخبر توضیح بفرمایند.

فهیم الملک — ترتیب اضافه مقرری را در مادهٔ دیگر اگر ملاحظه بفرمائید بآن میرسیم داده شده است که درابتداء دخول بخدمت حد اقل مقرری آنرا خواهد گرفت و در هردو سال یکمرتبه بیشتر هم اضافه مقرری داده نخواهد شد و در هر مرتبه بیش از ثلث تفاضل قدر اکثر براقل داده نمی شود مثلا فرض بفرمائید که قدر اقل یک مقرری پنجاه تومان باشد و حد اکثر هشتاد تومان آنوقت تفاوت مابین این دو حد سی تومان میشود بعداز دوسال ممکن است ده تومان آنرا اضافه مقرری بآن مستخدمی که دارای مقام آن مقرری است بدهند امابیشتر از ده تومان رانمیتوانند وهمینطور دردو سال دویم حالا اگر یک کسی استعداد داشته باشد که ترفیع رتبه حاصل کند که معلوم است که ترفیع مستلزم اضافه مقرری هم هست ولی اگر نداشته باشد برای این قید در اینجا شده است که این شخص حق گرفتن حد اکثر مقرری مقام خودش را نداشته باشد برای این این قید در آنجا شده است که این شخص حق گرفتن حد اکثر مقرری مقام خودش را نداشته باشد زیرا که حد اکثر مقرری هر مقام بیش از حد اقل مقرری رتبه بالاتر از اوست پس یک همچو شخصی که نمیتواند هیچ خودرا بیک مقام عالیتری ساند که مقرری او را حد اکثر مقرری مقامی که در او هست زیادتر بشود تفاوتی که برای او معین کرده ایداین است که تفاوت مابین حد اقل و اکثر مقرری باو داده شود در حقیقت مثل این است بعداز دو سال بیک مستخدمی که خوب خدمت کرده است اضافه مواجب داده میشود این تصوریکه میفرمائید راجع بحد اقل و اکثر مقرری اینشخص همچو نیست که باو ظلمی شده باشد بلکه همان حد وسط مقام خودش را که مستحق بوده است باو داده است ورعایت حالش هم شده است.

دکتر علی خان — بنده از ابتداء هنوز درست ملتفت نشده ام که کمیسیون این حد اقل و اکثر برای حقوق مستخدمین معین کرده است — چه علت بوده است برای اینکه ادارات دولتی مکتب خانه که نیست تا اینکه یک کسی استعدادش بیشتر باشد یکی کمتر دیگر اینکه شرایط ووظایفی درنظامنامه معین شده است ویروگرام که مطابق این عمل کرد البته باید که مستخدم آن اداره باشد واین کم وزیاد حقوق امناء هم بسته بنظر وزیر است یعنی برفرض که اضافه مقرری لازم باشد که باو داده شود باید بیک ترتیبی باشد که وزیر بداند اگر بنا باشد که درهر مرتبه یک حداقل و اکثر برای مقرری آن معین بشود دیگر اختیار وزیر را بنده نمی فهمم برای چیست که وزیر بهر کس که مایل باشد اضافه مقرری بدهد وکلیه چیزهائی که نظر مالیه در آنها هست بنده اختیار یکنفر را در آنها جائز نمیدانم کم وزیاد کردن حقوق بایستی باطلاع و تصویب یک هیئتی باشد بیکنفر وزیر در هر صورت بنده این اختیار دادن بوزیر را میخواهم توضیح بدهند که بچه نظر بوده است.

فهیم الملک — اما اینکه راجع بتفاوت استعداد فرمودند که در ادارات ممکن نیست این رای مگر درحقیقت خیلی برخورد یکچیز واضحی فرمودند بجهت اینکه ادارهٔ که دارای صدو پنجاه نفر اعضاء در مرکز وولایات است هیچ نمیتوان گفت که تمام اینها بیک درجهٔ مساوی ترقی خواهند کرد معلوم است یکی بهتر میتواند از عهده خدمت بربیاید یکی کمتر بعضی اشخاص هستند که استعداد کار معینی را ندارند مثل